



پارسه پاسارگاد

Parsa Pasargadae

Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

سال پنجم / شماره ۱۷ / زمستان ۱۳۹۹



- عکس روی جلد: دروازه ملا، تخت جمشید - عکس از : افشین آریافر
- سخن سردبیر: یادداشت دکتر حمید فدایی
- اختصاصی: پایان بررسی های باستان شناسی شهرستان پاسارگاد و بخش مشهد مرغاب شهرستان خرمبید - متن کتیبه بابلی داریوش بزرگ بر روی دیوار جنوبی تخت جمشید
- بازتاب: ولفرام کلایس و پژوهشهای هخامنشی
- - بازنگری و مطالعه طرح مدیریت بحران موزه تخت جمشید
- رویداد: گزارشی مختصر از فعالیتهای فصل زمستان کارگروههای مختلف در تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد
- از دریچه دوربین: تصویری از محوطه نقش رستم - عکس از : افشین آریافر
- گزارش یک دیدار: عباسعلی بردبار، موزه دار و امین اموال سابق تخت جمشید
- روایت یک بازدید: بررسی روشمند تل قلعه مروودشت
- - کاف مثل کتیبه
- گردشگری، صنایع دستی و بوم گردی: پاسارگاد به روایت تصاویر «بارونز ماریه ترسه اولنس دی شوتن»
- بیشتر بخوانیم: یادداشتی کوتاه درباره باغ ایرانی
- - سپندارمذگان: جشن بزرگ ایران باستان



پارسه پاسارگاد

parsa pasargadae فصلنامه خبری پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد
سال پنجم / شماره ۱۷ / زمستان ۱۳۹۹ Parsa Pasargadae World Heritage site Newsletter

مدیر مسئول: حمید فدایی - افشین ابراهیمی

سردبیر: حمید فدایی

ویراستار: مهرناز بردبار

امور اجرایی: مهرناز بردبار - فرزانه گرامی

هیات تحریریه: کارشناسان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد

طراحی لوگو، یونیفورم و صفحه آرای: افشین آریافر / کانون تبلیغات کوب: ۰۹۱۷۱۱۶۶۱۱۵

نشانی:

دفتر شماره ۱: فارس - مروودشت - مجموعه میراث جهانی تخت جمشید

دفتر شماره ۲: فارس - مروودشت - مجموعه میراث جهانی پاسارگاد

تلفن دفتر شماره ۱: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۵۶ داخلی ۲۱۲ تلفن دفتر شماره ۲: ۰۹۱-۴۳۵۸۲۷۹۰-۹۱

دورنگار: ۰۷۱-۴۳۳۴۱۵۷۲

آدرس وب سایت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و پاسارگاد:

www.persepolis.info

www.pasargadae.info

تلگرام:

@persepolis_world_heritage_site

@pasargadae_world_heritage_site

اینستاگرام:

@persepolis.whs

@pasargadae.whs

ایمیل:

info@persepolis.ir

از منظر دیگر بهره برداری از میراث فرهنگی و حضور گردشگران در آن بدون رعایت شرایط و ضوابط محوطه، چالشی اساسی در نگهداری درازمدت مواریت فرهنگی محسوب می گردد و ضمن بروز آسیب های فیزیکی در آن، به مرور ارزش های مختلف محوطه مخدوش شده و اصالت آن به مخاطره خواهد افتاد. بنابراین ضرورت دارد توجه به موضوع نگهداری و حفاظت از میراث فرهنگی و ارزش های ویژه آن در راس کلیه برنامه های آموزشی، فرهنگ سازی و اقتصادی محوطه های میراثی قرار گیرد و شرایط بهره برداری ایمن از آثار را فراهم و ضمانت نماید. توجه همزمان به همه این نکات باعث اهمیت یافتن تاریخ و مواریت فرهنگی نزد جوامع محلی و جامعه جهانی خواهد شد و جایگاه اقتصادی ویژه ای را نیز برای جامعه رقم خواهد زد که خود مبنایی برای توسعه پایدار خواهد بود.

طی دهه های گذشته با ساختارمند شدن موضوع مدیریت حفاظت، توسعه و بهره برداری از آثار میراث فرهنگی در سطح جهانی، به تدریج ضوابط و قوانین گوناگونی در قالب منشورها، قطعنامه، دستورالعمل و توصیه نامه در مجامع مختلف بین المللی و ملی مطرح و تصویب گردیده که از سوی کشورهای عضو مورد الگوبرداری و ملاک عمل قرار گرفته است و توجه به این چارچوب ها سهم عمده ای در حفاظت از محوطه های میراثی دارد و شرایط توسعه را فراهم خواهد آورد. می توان حفاظت از ارزش ها و توسعه پایدار میراث فرهنگی را از رویکردهای اساسی در بهره برداری از این ظرفیت های تمدنی و دستاوردهای بشری پنداشت.

در موضوع میراث فرهنگی نکته ای که اهمیت پیدا می کند و به حفاظت از ارزش ها منجر خواهد شد، گزینش شیوه های مدیریتی با تاکید بر رویکردهای فرهنگی و ارزیابی بازخوردهای حاصل از آن در جامعه است. امروزه به منظور ارائه برنامه های هدفمند با رویکرد فرهنگی به شدت نیازمند همکاری مشترک با همه بخش ها و دستگاه های متولی آموزش، پژوهش و اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ هستیم که ضمن معرفی آثار و ارزش های آن بتوانیم با ارتقاء آگاهی های عمومی، زمینه را برای بهره مندی ایمن از میراث فرهنگی به عنوان راهکاری در توسعه پایدار جوامع محلی بیش از پیش فراهم سازیم. نباید فراموش کرد که به موازات توجه به برنامه های فرهنگی و آموزشی، امروزه میراث فرهنگی بیش از هر زمان دیگر نیازمند حفاظت فیزیکی است و این خود به دلیل کالبد رنجور و آسیب پذیر میراث فرهنگی است که نیاز به تیمار و مراقبت همیشگی دارد.

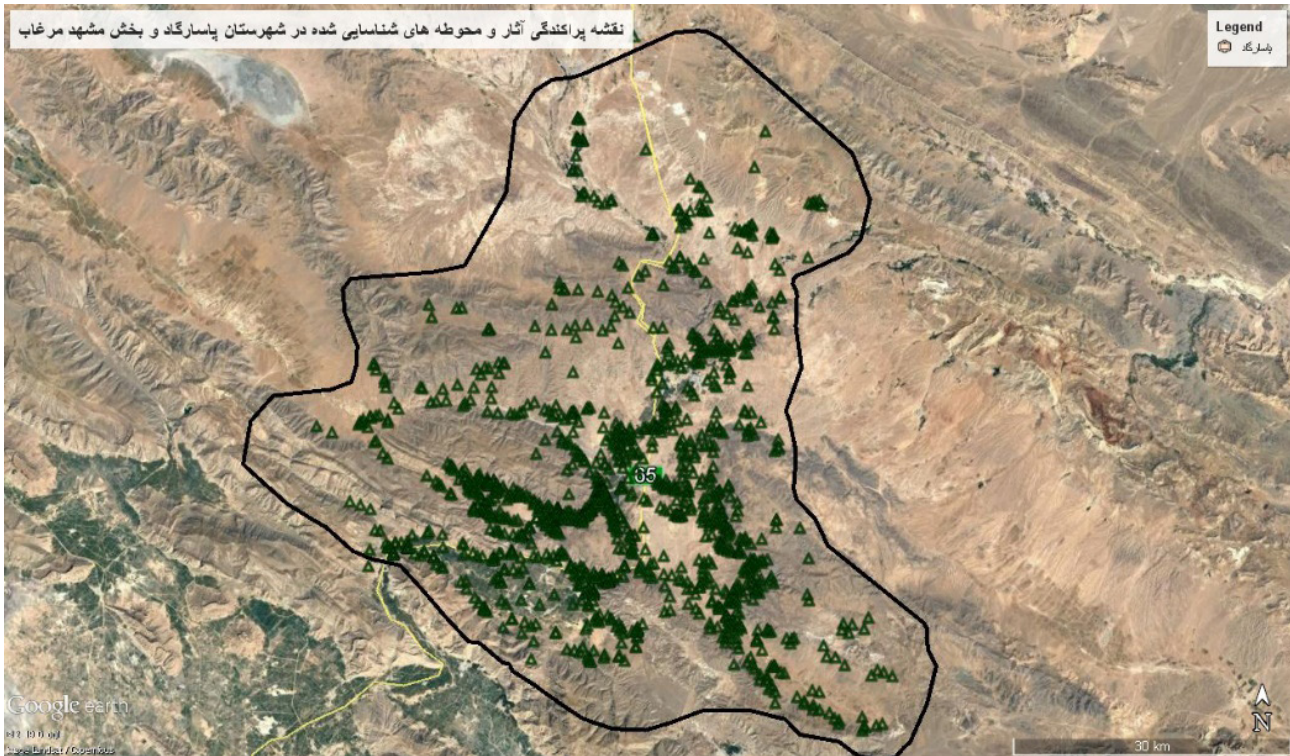


حمید فدایی

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید
عضو هیات علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی

سخن سردبیر

اگر چه وندالیسم مشکلی است که میراث فرهنگی در تمام دنیا با آن روبروست اما مقیاس آن و شدت و ضعف آن در میان جوامع مختلف تفاوت محسوسی دارد. تخت جمشید و منظر فرهنگی و طبیعی آن در دوره های مختلف تاریخی با پدیده وندالیسم آشنا بوده است و می توان بخشی از تخریب های عمدی در پیکره بناها و نقوش بی بدیل آنرا به این پدیده شوم نسبت داد. در حل این معضل فرهنگی و اجتماعی، فرهنگ سازی با انجام برنامه ریزی های آموزشی، ارایه آموزش های پایه ای از سنین پایین، ارتقای آگاهی های عمومی و توجه به موضوع اطلاع رسانی از جمله مواردی است که به صیانت و حفاظت از فرهنگ و میراث فرهنگی خواهد انجامید و زمینه و شرایط را برای پیوند و آشتی بین انسان حاضر با تاریخ و گذشته خود فراهم خواهد آورد؛ در چنین محیط و چنین شرایطی است که زمینه برای عبرت آموزی از میراث فرهنگی فراهم خواهد شد.



این برنامه با روش پیمایشی و تقسیم بندی منطقه بر پایه تقسیمات سازمان نقشه برداری کشور و تقسیمات محلی و شکل عوارض طبیعی انجام شد. به دلیل کوهستانی بودن منطقه در آغاز قسمتهای هموار و دشتهای میان کوهی بررسی شد و سپس بلندی ها و دامنه ها مورد مطالعه قرار گرفت.

گستره بررسی شده ۳۲۳۰ کیلومتر مربع را در بر می گیرد که شامل دشتهای هموار و حاصلخیز و کوهستان ها و تپه ماهوری است. همین شرایط اقلیمی و گوناگونی عوارض طبیعی و زیست محیطی منطقه پاسارگاد و دشت مرغاب شرایط زندگی را برای جوامع انسانی از دوران پارینه سنگی، فراپارینه سنگی، نوسنگی و سراسر دوران تاریخی و دوران اسلامی تا کنون فراهم کرده است. در این بررسی نزدیک به ۱۳۰۰ اثر و محوطه تاریخی فرهنگی و نزدیک به ۳۰۰۰ گور تاریخی منفرد (توده سنگی و خرسنگی) در محدوده مورد مطالعه شناسایی گردید.



نمایی از یک سنگ بزرگ از جنس چرت که در اطراف محوطه DM.1 مشاهده شد، فلش ها بخشی از سنگ را نشان می دهد که تراشه برداری از آن صورت گرفته است

پایان بررسی های باستان شناسی شهرستان پاسارگاد و بخش مشهد مرغاب شهرستان خرمید

فرهاد زارعی کردشولی، حمید رضا کرمی

برنامه بررسی باستان شناسی شهرستان پاسارگاد و بخش مشهد مرغاب از آبان ماه ۱۳۹۵ با مجوز پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی کشور آغاز شد و به دلیل فراوانی آثار و محوطه های تاریخی - فرهنگی و همچنین گستردگی و کوهستانی بودن منطقه، نزدیک به ۶ ماه پژوهش میدانی آن به طول انجامید. هدف از اجرای این برنامه در گام نخست شناسایی و مطالعه آثار و پدیده های باستان شناختی منطقه پاسارگاد و مشهد مرغاب به منظور ثبت جزییات آثار و محوطه های تاریخی فرهنگی بود که تاکنون شناسایی نشده بودند. موقعیت یابی مکانی آثار و محوطه ها، شناسایی سفال و مواد فرهنگی، دوره بندی، مستندنگاری آثار معماری، مشخص کردن وضعیت مالکیت آثار و محوطه ها از دیگر اهداف این پژوهش میدانی بود. تهیه و ترسیم نقشه پراکنش آثار تاریخی (نقشه باستان شناسی) منطقه مورد مطالعه بخش دیگری از اهداف این پژوهش میدانی بود که در پایان این هدف نیز محقق شد. تهیه بانک اطلاعاتی آثار و پدیده های باستان شناسی منطقه که از اهداف این بررسی است مرجع مناسبی بود برای دیگر فعالیت های پژوهشی مطالعاتی، دست یابی به بهترین روش حفاظتی از آثار با در نظر گرفتن موقعیت های خاص جغرافیایی، مسیرهای دسترسی و روش حفاظت از آن ها است.



بقایای آبراه هخامنشی که در دامنه سنگی کوه غلام ایجاد شده است



دست افزارهای محوطه نوسنگی پیرقنبر مرغاب

لپویی در بخشهای هموار و دامنه تپه‌ها شناسایی شد. تل نخودی، سه آسیاب و تل خاری در دشت پاسارگاد، تپه رحمت آباد، تل قبرستان قصر دشت در دشت کمین و تل کلیچه بیان و تل شهرک در دشت مرغاب از محوطه‌های شناسایی شده این دوران هستند.

در چندین محوطه سفالهایی یافت شد که گمان می‌رود مربوط به دوران آغاز تاریخی و عصر آهن یک و دو باشند. از جمله می‌توان به تپه قصر دشت کمین، تل مزیدی ۲ در دشت مرغاب اشاره کرد.

اما مهمترین و بیشترین آثار و محوطه‌های شناسایی شده در این ناحیه مربوط به دوران هخامنشی است. این بررسی‌ها نشان از آن دارد که آثار هخامنشی منطقه تنها محدود به بناهای شناسایی شده در محوطه پاسارگاد نیست، چرا که یافته‌های جدید روشن کرده که در سرتاسر دشت پاسارگاد، دشت مرغاب و دشت کمین مجموعه‌هایی از زیرساختها با توجه به موقعیت پاسارگاد به عنوان یک مرکز مهم حکومتی هخامنشی ایجاد شده که تاثیر

دامنه تپه ماهوری‌هایی که بافت آنها قلوه سنگی است بیشترین محوطه‌های باز (Open Site) از دوره پارینه سنگی میانی را در خود جای داده اند که قدمتی بین ۲۸ هزار تا ۱۲ هزار سال قبل را در بر می‌گیرد. وجود تعداد زیادی ابزارهای سنگی از دوران پارینه سنگی جدید و فرا پارینه سنگی با قدمت ۱۲ هزار تا ۸ هزار سال قبل گویای نخستین استقرارهای انسانی در منطقه است که از جمله می‌توان به اشکفت تاقتی، اشکفت حاج میرزایی، اشکفت شاه مردان در شهرستان پاسارگاد و اشکفت قلی و اشکفت تنگ چنارو در بخش مشهد مرغاب اشاره نمود.

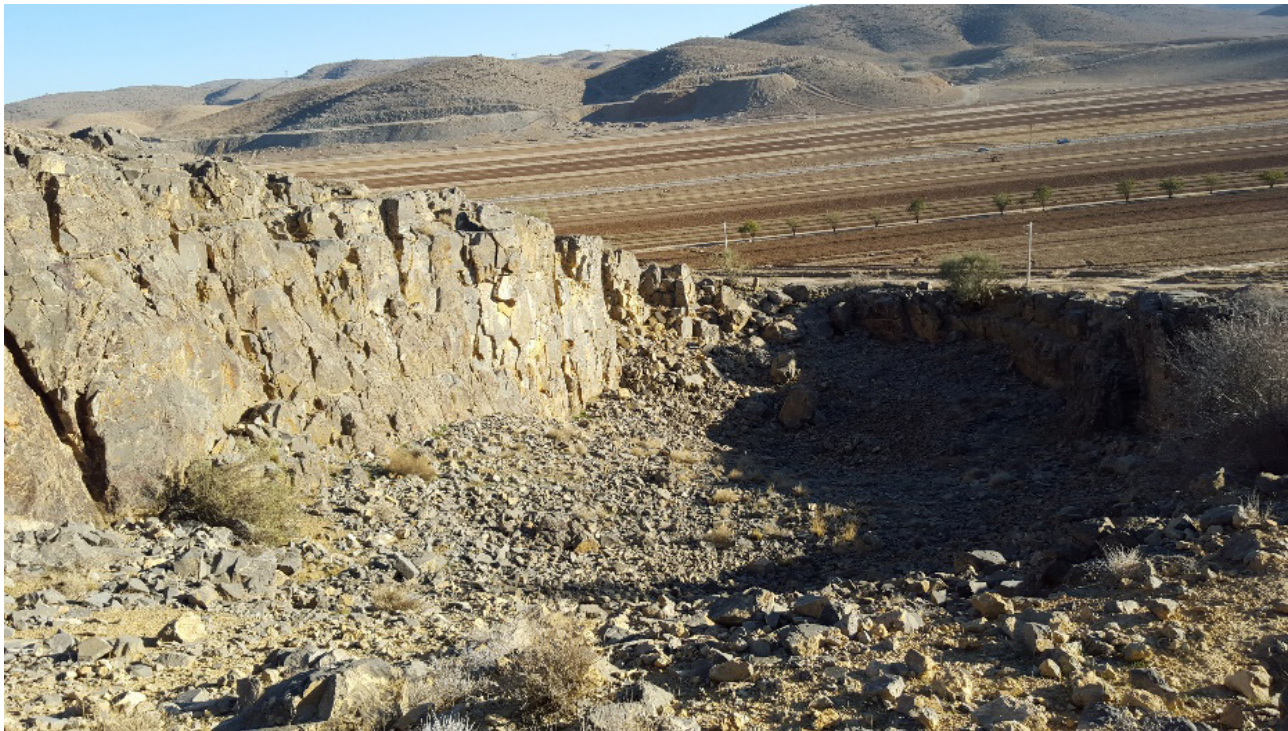
غارها و پناهگاه‌های صخره‌های به سبب کوهستانی بودن بیشتر گستره منطقه، بخش زیادی از استقرارگاه‌های انسانی را در دوران نوسنگی به وجود آورده اند که تعداد زیادی از آنها در منطقه مورد مطالعه و شناسایی قرار گرفت. از دوران نوسنگی با سفال نیز چند محوطه شناسایی شده که مهمترین آن محوطه تل سنگی پیرقنبر است. همچنین از دوران آغاز روستا نشینی (هزاره ۷ پ م) محوطه‌های گوناگونی مربوط به فرهنگ باکون و



پایه‌های پل تاریخی در بستر رود پلوار در کنار روستای کردشول



یک غار با شواهدی از استقرار دوران فراپارینه سنگی و نوسنگی



معدن تاریخی احمد بیگی در دشت پاسارگاد

های رود پلوار، مهار سیلاب های فصلی در سرشاخه های رود و همچنین ذخیره سازی آب جهت استفاده در ماههای گرم و خشک سال در بخشهای گوناگون از جمله کشاورزی و باغداری، محوطه های مسکونی و تولیدی و به ویژه محوطه شاهانه پاسارگاد بوده است. وجود هفت سد و بند هخامنشی و شناسایی نزدیک به ۷۰ کیلومتر جوی و آبراه در این ناحیه همگی نشان از اهمیت فراهم آوردن آب مورد نیاز و استفاده بهینه از منابع آب موجود در منطقه را دارد. همچنین از دوران هخامنشی مجموعه ای از معادن سنگ ساختمان و سنگ آهن در سطح منطقه شناسایی شد که بسیار با اهمیت می باشند.

از دوران اشکانی (فرا هخامنشی) و ساسانی نیز تعداد زیادی گور (نزدیک به ۳۰۰۰ گور توده سنگی و کلان سنگی) شناسایی شده که شوربختانه بیشتر آنها توسط سودجویان مورد دستبرد و تخریب قرار گرفته اند و تنها تعداد اندکی سالم باقی مانده اند. همچنین محوطه های استقرار و کارگاهی (فلزگری و تولید شیره انگور) گوناگونی نیز از این دوران در دشت پاسارگاد و مشهد مرغاب شناسایی شد. تل جنگی، تل قاسم آباد، تل کوچکک و تل امامزاده ابراهیم از جمله محوطه های شناسایی شده از این دوران است.

از دوران پسا تاریخی (اسلامی) تا دوران معاصر نیز محوطه های استقرار و بناهایی همچون چهارتاقی، کاروانسرا، پل، حمام، قلعه، کانسنگ های آهن و سنگ ساختمانی، کارگاه های فلزگری، ساختارهای دستکند، گورستانهای اسلامی و استقرارگاه های عشایری در این بررسی شناسایی گردید.

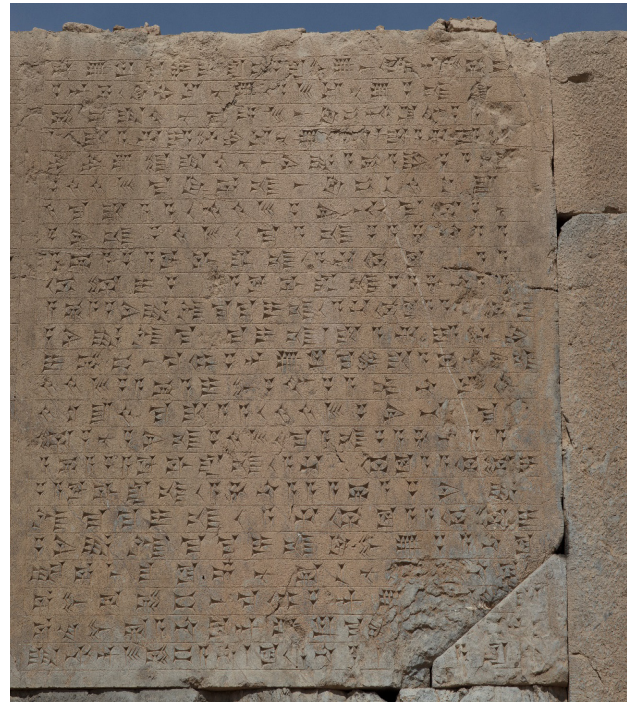
زیادی در شکل گیری و توسعه آن داشته است. یکی از زیرساختهای دولت هخامنشی، ایجاد راه های ارتباطی و ساختارهای وابسته به آن است. در بررسی پیمایشی انجام شده شواهد و مدارکی از مسیرهای هخامنشی و ساختارهای وابسته به آنها در منطقه به دست آمد. با توجه به کوهستانی بودن دشت پاسارگاد و مرغاب، جهت دسترسی به دیگر مناطق کشور از چند گذرگاه طبیعی امکان آمد و شد وجود داشته است. در راستای همین گذرگاه ها است که آثار و شواهدی از مسیرهای تاریخی شناسایی شد. بر بلندای چند تپه بقایای ساختارهای معماری لاشه سنگی و خشتی وجود دارد که آثار و شواهد باستان شناسی موجود نشان می دهد به گمان زیاد این تپه ها مراکز یا پاسگاه های هخامنشی در این بخش از دشت مرغاب بوده اند که مسیر شمالی منطقه را کنترل می کرده اند. از دیگر آثار مهم شناسایی شده مجموعه ای از دیوارهای لاشه سنگی است که در دامنه تپه ها و بلندی های کوهستانی منطقه وجود دارد. این ساختارها به صورت پراکنده و در بخش های مختلف منطقه مرغاب و پاسارگاد قرار گرفته اند و پهنای آنها نزدیک به یک و نیم متر با بیشترین بلندی ۲ متر و درازای میان دو تا بیست کیلومتر است. با توجه به اندازه و ساختار دیوار و همچنین موقعیت قرارگیری آن در نزدیکی محوطه پاسارگاد احتمالاً کارکرد دیوار به منظور تعیین مرز سیاسی یا مذهبی بوده است.

اما از مهمترین آثار و محوطه های شناسایی شده در منطقه مجموعه ای از ساختارهایی است که با ماهیت بهره برداری از منابع آب منطقه و انتقال آن به دشت های پایین دست در دشت پاسارگاد و دشت کمین ساخته شده اند و بی گمان تاثیر شگرفی بر رشد و پیشرفت منطقه پاسارگاد داشته است. هدف از ساخت سدها با توجه به خیزاب

این کتیبه و صورت املائی برخی از واژگان پربسامد در مقایسه با کتیبه‌های دیگر از دوران داریوش اول پرداخته شد. بدلیل مفصل بودن بحث، نگارنده در اینجا تنها به انتشار نخستین ترسیم از این کتیبه، تصویری تازه از کتیبه و متن آن به بابلی هخامنشی و ترجمه فارسی اکتفا می‌کند.

این کتیبه که از کهن‌ترین کتیبه‌های شناخته شده از داریوش اول در منطقه فارس می‌باشد در ۲۴ سطر نوشته شده است. خط این کتیبه از نقطه نظر ریخت‌شناسی با تمامی نسخه‌های بابلی کتیبه‌های تخت جمشید تفاوت دارد، در عین حال شباهت‌هایی بین ظاهر نشانه‌های به کار رفته در این کتیبه و نسخه بابلی کتیبه‌های نقش رستم وجود دارد. ساختار کلی کتیبه همانند بسیاری از کتیبه‌های شاهی هخامنشی است. کتیبه با نام اهورمزدا، بزرگ‌ترین خدایان و آفریننده جهان شروع می‌شود (سطور ۱-۳)، که به داریوش فرمانروایی را بر این قلمرو پهنوار بخشید که متشکل شده از سرزمین پارس و ماد و سایر سرزمین‌هایی که مردمانشان به زبان‌های دیگری تکلم می‌کنند (سطور ۴-۸). این قلمرو همچنین از کوه و دشت تشکیل شده است و حدود آن به دو دریا و دو کویر می‌رسد (سطور ۸-۱۲). در بخش دوم کتیبه، داریوش شاه احتمالاً با اشاره به تخت جمشید (مکانی که این کتیبه در آن نقر شده است) می‌گوید که هر آنچه که در این مکان ساخته شد را مردمی از همین قلمرو در پناه اهورمزدا و به فرمان وی ساخته‌اند (سطور ۱۲-۲۱). در آخر کتیبه نیز شاه اعلام می‌کند آنچه انجام داده است در پناه اهورمزدا بوده (سطور ۲۱-۲۳) و از اهورمزدا و همه ایزدان طلب پشتیبانی می‌کند (سطور ۲۳-۲۴).

یکی از نکته‌های ویژه این کتیبه وجود واژه آب ($A^{meš}$) بجای مردم ($\dot{U}G^{meš}$) در بخش آفرینش است. قبل‌تر تنها یک پژوهشگر (پروفسور متیو استولپر) متوجه این نکته مهم گردید ولی با در نظر گرفتن احتمال اشتباه سنگ‌تراش در نوشتن درست نشانه ($\dot{U}G^{meš}$)، از احتمال درست بودن واژه آب صرف نظر نموده بود. در پژوهشی که نگارنده در سال ۱۳۹۸ منتشر نمود به شکل مفصلی در مورد احتمال درست بودن واژه آب در این کتیبه بحث شده است.



تصویر شماره یک- کتیبه بابلی داریوش بزرگ بر دیوار جنوبی صفا تخت جمشید
(عکس از آقای محمدعلی مصلی نژاد)

متن کتیبه بابلی داریوش بزرگ بر روی دیوار جنوبی تخت جمشید

سهیل دلشاد^۱

نگارنده در پاییز سال ۱۳۹۶ با بررسی دوباره نسخه‌های عیلامی و بابلی کتیبه‌های شاهی هخامنشی بر اساس وضعیت کنونی کتیبه‌ها، به نکاتی مهم در خصوص کتیبه بابلی موسوم به DPg واقع در دیوار جنوبی تختگاه پی برد و تصمیم گرفت ویرایش جدیدی از این کتیبه را به همراه پیشینه مختصری از پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با آن از ابتدای پژوهش‌های هخامنشی یعنی رونویسی‌های منتشر شده از این کتیبه از سال ۱۷۶۵ (نک. Niebuhr, 1765) بدین سو و نخستین ترجمه ارائه شده در سال ۱۸۵۰ (نک. De Saulcy, 1850) تا آخرین ویرایش منتشر شده در سال ۱۹۱۱ (نک. Weissbach, 1911) منتشر نماید.

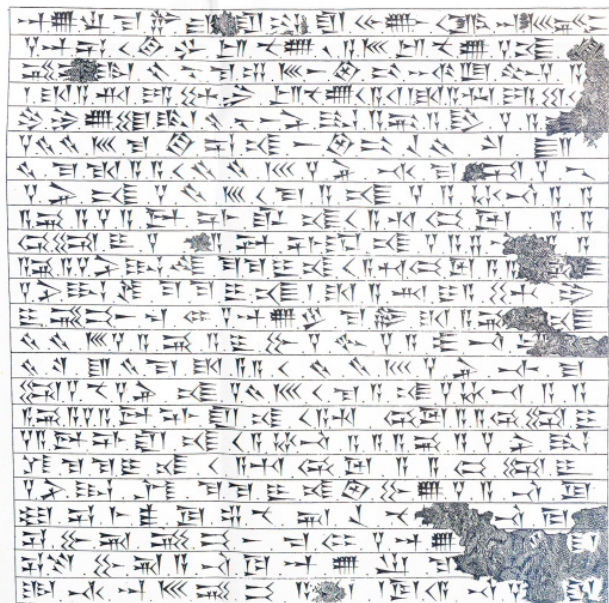
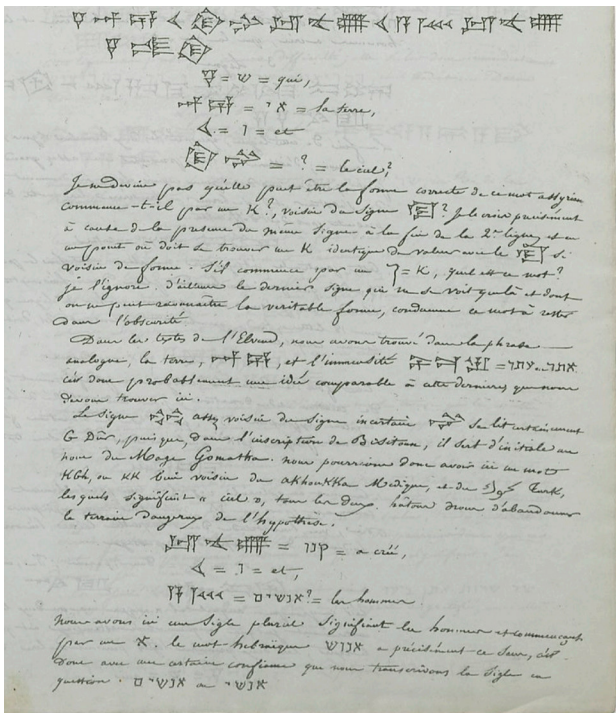
بدین ترتیب، ویرایش جدید از این کتیبه در قالب یک مقاله پژوهشی در سال ۱۳۹۸ (نک. Delshad, 2019) منتشر گردید و در آن علاوه بر ترجمه و تحلیل متن کتیبه، به نکات دیگری چون واژگان به کار رفته در

۱- مشاور امور کتیبه‌شناسی و زبانشناسی پایگاه میراث جهانی
تخت جمشید

متن کتیبه به بابلی هخامنشی:

DPg

1. ^dú-ru-ma-az-^{da} ṽ ra-bi šá ra-bu-ú ina muḫ-ḫi DINGIR^{meš} gab-bi
2. šá AN-e u KI-ti ib-nu-ú u A^{meš} ib-nu-ú šá dum-qí
3. gab-bi id-din-nu-ma ÛG^{meš} ina lib-bi bal-ṽu-^u šá a-^{na} ṽ
4. ^mda-a-ri-ia-muš LUGAL ib-nu-ú u ^a ṽ-^{na} ṽ ^mda-a-ri-ia-^{muš} ṽ
5. LUGAL LUGAL-ú-tu id-din-nu ina qaq-qar a-ga-a rap-šá-a-^{tu}4 ṽ
6. šá KUR.KUR^{meš} ma-de-e-tu4 ina lib-bi-šú KUR par-su
7. KUR ma-da-a-a u KUR.KUR^{meš} šá-né-ti-ma li-šá-nu
8. šá-né-tu4 šá KUR^{meš} u ma-a-tu4 šá a-ḫa-na-a-a
9. a-ga-a šá ^{id}mar-ra-tu4 u a-ḫu-ul-lu-a-a
10. ul-li-i šá ^{id}mar-ra-tu4 šá a-ḫa-na-a-a
11. a-ga-a šá qaq-qar ṽu-ma-ma-i-tu4 u a-ḫu-ul-lu-a-a ^{ul} ṽ-^{li} ṽ-ⁱ ṽ
12. šá qaq-qar ṽu-ma-ma-i-tu4 ^mda-a-ri-ia-muš LUGAL
13. i-qab-bi ina ^{giš}GI6 šá ^dú-ru-ma-az-da a-ga-^{an} ṽ-^{né} ṽ-tu4
14. KUR.KUR^{meš} šá a-ga-a i-pu-šá-^a šá a-gan-na ep-^{ši} ṽ
15. KUR par-su KUR ma-da-a-a u KUR.KUR^{meš} šá-né-^{ti} ṽ-ma
16. li-šá-nu šá-né-tu4 šá KUR^{meš} u ma-a-tu4 šá a-ḫa-^{na} ṽ-a-a
17. a-ga-a šá ^{id}mar-ra-tu4 u a-ḫu-ul-lu-a-a ul-^{li} ṽ-ⁱ ṽ
18. šá ^{id}mar-ra-tu4 u a-ḫa-na-a-a a-ga-a šá qaq-qar
19. ṽu-ma-ma-i-tu4 u a-ḫu-ul-lu-a-a ul-li-i
20. šá qaq-qar ṽu-ma-ma-i-tu4 lib-bu-ú šá a-na-ku
21. ṽè-e-mi áš-ku-un-nu-uš-šú-nu [šá] ^a ṽ-na-ku
22. e-pu-uš gab-bi ina ^{giš}GI6 šá ^drú^u-[ru-m]a-^{az} ṽ-^{da} ṽ
23. e-te-pu-uš a-na-ku ^drú^u-ru-ma-^{az} ṽ-[da li-iṽ]-^{ṽur} ṽ-^{an} ṽ-n[i]
24. it-ti DINGIR^{meš} gab-bi a-na ana-ku u a-na šá ana-[ku] a-^{ra} ṽ-^{mu} ṽ



تصویر شماره سه- نخستین ترجمه و تحلیل کتیبه بابلی داریوش؛ سطر دوم
(de Saulcy, 1850, p. 33)

تصویر شماره دو- یکی از کهن‌ترین ترسیم‌های منتشر شده از کتیبه بابلی داریوش اول
از کارستن نیبور (Niebuhr, 1765, p. 152, Tab. XXI)

ترجمه:

أهورمزدای بزرگ، که بر همه خدایان بزرگ‌تر (است)، که آسمان و زمین را آفرید و آب را آفرید؛ که به همگان رونق بخشید و مردم که در آن (جا) زندگی می‌کنند؛ که داریوش را شاه نمود، و به داریوش شاه، شاهی را ارزانی داشت، در این زمین بزرگ دارایی سرزمین‌های بسیار، در میان آن پارس، ماد و دیگر سرزمین‌ها از زبان دیگر، از کوهستان و دشت، از این کرانه نزدیک دریا تا آن کرانه دور دریا، از این کرانه نزدیک کویر خشک و آن کرانه دور کویر خشک. داریوش شاه گوید: در پناه اهورمزدا، این سرزمین‌ها (هستند) که آنچه که در اینجا ساخته شده را انجام دادند: پارس، ماد و دیگر سرزمین‌ها از زبان دیگر، از کوهستان و دشت، از این کرانه نزدیک دریا و آن کرانه دور دریا، و این کرانه نزدیک کویر خشک تا آن کرانه دور کویر خشک، آنچنان که من به آن‌ها فرمان دادم. آنچه که من انجام دادم، تمامی را در پناه اهورمزدا به انجام رسانیدم. باشد اهورمزدا مرا حفظ کند، با تمامی خدایان، مرا و آنچه که من دوست می‌دارم.

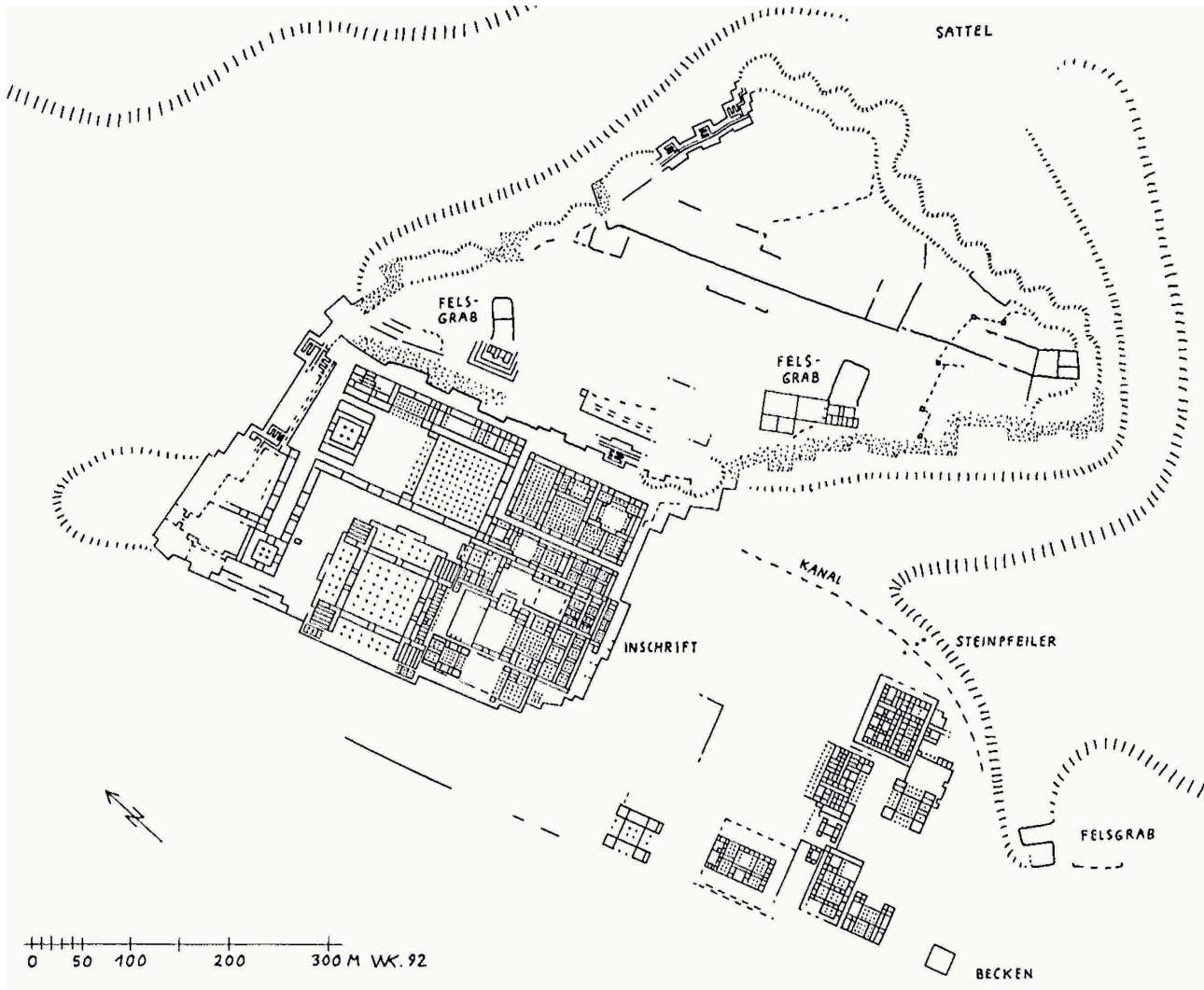
منابع:

de Saulcy, F. (1850). *Recherches sur l'écriture cunéiforme de système assyrien. Inscriptions der Achéménides. 3e mémoire.*

Delshad, S. (2019). DPg: Ahuramazdā and the Creation of Water, with a New Text Edition. *Iranian Studies*, 52(3-4), 575-588.

Niebuhr, C. (1765). *Reisebeschreibung nach Arabien und den umliegenden Ländern, zweiter Band (Vorwort zum Nachdruck von Dietmar Henze)* (Vol. 1-3). Akademische Druck- u. Verlagsanstalt.

Weissbach, F. H. (1911). *Die Keilinschriften der Achämeniden*. J. C. Hinrichs'sche Buchhandlung.



شکل ۱. پلان تخت جمشید طراحی ولفرام کلایس که علاوه بر تختگاه تخت جمشید، بارو و بناهای جنوبی تختگاه را نیز نشان می‌دهد (Kleiss 1992: 155, Abb. 1).

ولفرام کلایس و پژوهش‌های هخامنشی

زهره زهبری

مؤسسه باستانشناسی آلمان، برلین (DAI)

سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۹۵ مدیریت این شعبه را در اختیار داشت.^۲ وی بازدیدهای بیشماری از مناطق باستانی و تاریخی ایران انجام داد که به صورت کتاب و مقالات متعددی منتشر شده است. گرچه علاقه و تمرکز اصلی مطالعات او بیشتر پیرامون تمدن اورارتویی بود اما محوطه‌ها، تپه‌ها و بناهای بسیار دیگری از دوران‌های گوناگون را نیز مورد مطالعه و پژوهش قرار داد. از جمله شاخص‌ترین این بناها، می‌توان به کاروانسراها^۳ و پل‌های دورانی اسلامی^۴ اشاره کرد. علاوه بر آن، کلایس کاوشگر محوطه‌های مهمی نظیر تخت سلیمان،^۵ بسطام و بیستون^۶ بود. از وی بیش از ۳۰۰ کتاب و مقاله بر جای مانده است که بیشتر مقالات او را می‌توان در مجله گزارش‌های باستان‌شناسی از ایران (AMI) یافت.

بیش از چند ماه از درگذشت ولفرام کلایس (Wolfram Kleiss)، مدیر پیشین مؤسسه باستانشناسی آلمان، شعبه تهران (Deutsches Archäologisches Institut (DAI) Eur-asiens-Abteilung/Aussenstelle Tehran)، می‌گذرد. وی در یکم دی ماه سال ۱۳۹۹ خورشیدی (۲۱ دسامبر ۲۰۲۰) در حالیکه چند هفته از تولد ۹۰ سالگی او می‌گذشت، در برلین دیده از جهان فروبست. وی متولد ۱۷ نوامبر ۱۹۳۰ میلادی در برلین بود که نخستین بار در سال ۱۹۵۹ با بورسیه سفر پژوهشی رهسپار ایران شد و چند سال بعد در سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) در مؤسسه باستانشناسی آلمان، شعبه تهران مشغول به فعالیت شد. شعبه تهران در مؤسسه باستانشناسی آلمان از ابتدای فعالیت، در دست معمارانی مانند رودلف ناومان (Rudolf Naumann)، ولفرام کلایس و دیتریش هوف (Dietrich Huff) بود.^۱ کلایس از

۲- Helwing and Rahempour 2011.

۳- نتایج این پژوهش در یک مجموعه شش جلدی جمع‌آوری شد (Kleiss 1996; 1997; 1998; 1999; 2000; 2001).

۴- برای نمونه بنگرید به Kleiss 1981; 1983; 1985; 1990; 1994.

۵- نگاه کنید به Kleiss 1971.

۶- مطالعات وی در این مورد به صورت یک کتاب دو جلدی (Kleiss 1979) (1988) و چندین مقاله منتشر شد.

۷- نگاه کنید به Kleiss 1970.

- Kleiss W. 1981, Ein Abschnitt der achaemenidischen Königsstraße von Pasargadae und Persepolis nach Susa, bei Naqsh-i Rostam, *AMI 14*: 45-53+Taf. 7-11.
- Kleiss W. 1988, Achaemenidische Staudämme in Fars, *AMI 21*: 63-68+ Taf. 35-38.
- Kleiss W. 1990, Brücken aus safavidischer und qadjarischer Zeit in Süd- und Westiran- III, *AMI 23*: 275- 289+ Taf. 50-58.
- Kleiss W. 1992a, Beobachtungen auf dem Burgberg von Persepolis, *AMI 25*: 155- 167+ Taf. 39-43.
- Kleiss W. 1992b, Dammbauten aus achaemenidischer und aus sasanidischer Zeit in der Provinz Pars, *AMI 25*: 131-145+ Taf. 29-38.
- Kleiss W. 1993a, Flächensteinbrüche und Einzelsteinbrüche in der Umgebung von Persepolis und Naqsh-i Rostam, *AMI 26*: 91-103+ Taf. 14-15.
- Kleiss W. 1993b, Bemerkungen zur Pelsanlage Qadamgah am Kuh-i Rahmat südöstlich von Persepolis, *AMI 26*: 161-164+ Taf. 51-53.
- Kleiss W. 1994, Brücken und Dämme in Nord-, West- und Südwest-Iran – V, *AMI 27*: 241-263+Taf. 42-57.
- Kleiss W. 1995-6, In memoriam Friedrich Krefter (15.10.1898- 25.1.1995), *AMI 28*: 11-27.
- Kleiss W. and P. Calmeyer 1975, Das unvollendete achaemenidische Felsgrab bei Persepolis, *AMI 8*: 81-98+ Taf. 14-18.
- Kleiss W. 1970, Zur Topographie des Partherhangs in Bisotun, *AMI 3*: 133-68+ Taf. 75-76.
- Kleiss W. 1971, *Zendan-i Suleiman: die Bauwerke*, Wiesbaden: Steiner.
- Kleiss W. 1979, *Bastam I. Ausgrabungen in den Urartäischen Anlagen 1972-1975*, Berlin: Mann Verlag.
- Kleiss W. 1981, Safavidische und qadjarische Brücken in Iran, *AMI 14*: 143-160+ Taf. 36-43.
- Kleiss W. 1988, *Bastam II. Ausgrabungen in den Urartäischen Anlagen 1976-1978, Teheraner Forschungen V*, Berlin.
- Kleiss W. 1996, *Karawanenbauten in Iran Teil 1*, Berlin: Reimer Verlag.
- Kleiss W. 1997, *Karawanenbauten in Iran Teil 2*, Berlin: Reimer Verlag.
- Kleiss W. 1998, *Karawanenbauten in Iran Teil 3*, Berlin: Reimer Verlag.
- Kleiss W. 1999, *Karawanenbauten in Iran Teil 4*, Berlin: Reimer Verlag.
- Kleiss W. 2000, *Karawanenbauten in Iran Teil 5*, Berlin: Reimer Verlag.
- Kleiss W. 2001, *Karawanenbauten in Iran Teil 6*, Berlin: Reimer Verlag.

مضاف بر آنچه گفته شد، کلایس در زمینه مطالعات هخامنشی نیز پژوهش‌های ارزشمندی در کارنامه علمی خود دارد. از این میان می‌توان به مطالعات وی بر نواحی اطراف تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد اشاره کرد. کلایس در زمینه معادن سنگ هخامنشی اطراف تخت جمشید و نقش رستم^۸ و سدهای هخامنشی^۹ مقالاتی را تحریر نموده است. علاوه بر آن، وی مقالاتی پیرامون پاسارگاد و فعالیت‌های هرتسفلد و کرفتر در این محوطه نگاشته است.^{۱۰} او در طول زندگی پربار خود، مجموعه عکس‌های زیادی تهیه کرد و طرح‌های بی شماری شامل طرح‌های فنی سفال، طرح اشیاء، نقشه‌ها، پلان‌ها و کروکی‌های بسیاری را طراحی نمود. از جمله شناخته شده‌ترین نقشه‌هایی که توسط وی طراحی شده است، نقشه‌های تختگاه تخت جمشید و آثار اطراف آن است (شکل ۱). کلایس پژوهشگری علاقه‌مند به تاریخ و سرزمین ایران بود که سال‌های متمادی از عمر خود را به مطالعه و بررسی این سرزمین سپری کرد. درگذشت این باستان‌شناس-معمار ضایعه‌ای برای متخصصان و دوستداران حوزه باستان‌شناسی و تاریخ ایران است. روحش شاد و یادش گرامی.

منابع:

- Helwing B. 2011, Orientarchäologie II: Die historische Bauforschung, In: B. Helwing and P. Rahemipour, *Tehran 50, Ein halbes Jahrhundert deutsche Archäologen in Iran, Archäologie in Iran und Turan II*, Berlin: Verlag Philipp von Zabern: 25-6.
- Helwing B. and P. Rahemipour 2011, Interview mit Wolfram Kleiss, Bauforscher, In: B. Helwing and P. Rahemipour, *Tehran 50, Ein halbes Jahrhundert deutsche Archäologen in Iran, Archäologie in Iran und Turan II*, Berlin: Verlag Philipp von Zabern: 153-154.
- Kleiss W. 1976, Beobachtungen in der Umgebung von Persepolis und Naqš-i Rostam, *AMI 131*: 9-150+ Taf. 38-40.
- Kleiss W. 1979, Madar-e Suleiman, das Grab des Kyros als islamisches Heiligtum, *AMI 12*: 281-287+ Taf. 44.

۸- بنگرید به 1992a ; 1976 ; Kleiss 1993a,b; Kleiss und Calmeyer . 1975.

۹- نگاه کنید به 1992b ; Kleiss 1988.

۱۰- نگاه کنید به 1995-6 ; Kleiss 1981 و Kleiss 1979.



تصویر ۱: تخت جمشید در سال ۱۳۱۳ (موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو)

نمایشگاهی و بازسازی نمایشگاه‌های موجود شامل مجموعه ای از خطرات است که این مطالعه یک راهبرد عملیاتی برای ارزیابی و مدیریت خطرات مختلف در موزه تخت جمشید را با نگاه به مشارکت ذینفعان^۱ مختلف امکان پذیر می‌گرداند.

ساختمان کاخ ملکه که امروزه بخشی از آن به عنوان موزه تخت جمشید کاربری دارد از بناهای دوره پادشاهی خشایارشا است. پس از آغاز کاوش‌های علمی تخت جمشید در سال ۱۳۱۰ خورشیدی توسط هیات علمی موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو، این کاخ از جمله نخستین بناهایی بود که مورد خاکبرداری و کاوش قرار گرفت. پس از اتمام کاوش‌ها عملیات بازسازی کاخ ملکه زیر نظر فریدریش کرفتر از اعضای هیات صورت می‌پذیرد. از اهداف بازسازی این کاخ علاوه بر تکمیل و نمایش بخشی از معماری هخامنشی، ایجاد فضایی برای نگهداری آثار کاوش و همچنین اقامت هیات در طول کاوش بوده است. پس از اتمام کاوش‌ها تا به امروز نیز بخش عمده ای از فضای کاخ ملکه به عنوان موزه و گنجینه به منظور نگهداری و به نمایش گذاشتن اشیای حاصل از کاوش‌های تخت جمشید و دیگر محوطه‌های دشت مرودشت مورد استفاده قرار گرفته است.

اگر چه از زمان بازسازی کاخ تا به امروز این بنا در چند مرحله مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته است، اما با گذشت زمان و فرسودگی ساختمان، خطراتی همچون آتش سوزی، نفوذ رطوبت از محل نآودان‌ها به داخل

۱- در اینجا منظور از ذینفعان (Stakeholders) کلیه گروه‌هایی هستند که به صورت مثبت یا منفی تحت تأثیر قرار می‌گیرند.

بازنگری و مطالعه طرح مدیریت بحران موزه تخت جمشید

مسعود نخعی - حمید فدایی

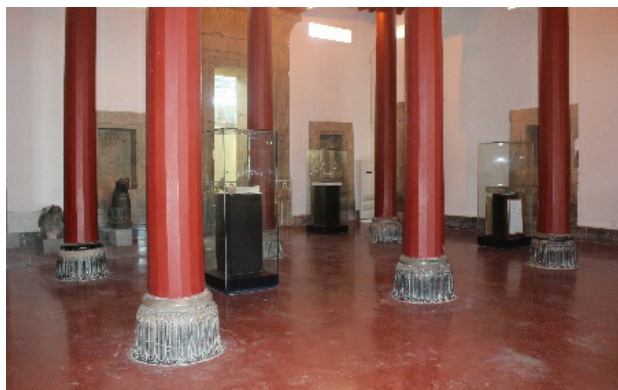
در طول سالیان گذشته تعداد قابل توجهی از موزه‌ها با استفاده از ارزیابی و مدیریت ریسک به عنوان ابزاری برای تصمیم‌گیری به ویژه برای مدیریت خطرات مختلف تهدیدکننده‌ی آثار و مجموعه‌ها، بحران‌های مختلف را مدیریت نموده‌اند. در واقع ضرورت تدوین پلان مدیریت برای موزه‌ها پس از مطالعات میچالسکی (۱۹۹۴)، رابرت والر (۱۹۹۴؛ ۲۰۰۳) و اشلی اسمیت (۱۹۹۹) با ارائه استدلال‌هایی به منظور تصمیم‌گیری و همچنین اقدامات مناسب و مقرون به صرفه به منظور مدیریت و حفاظت مجموعه‌ها اثبات گردید. لازم به ذکر است تفکر مبتنی بر ریسک پایه و اساس اقدامات پیشگیرانه به منظور کاهش تأثیر خطرات مختلف در از بین رفتن ارزش اشیای تاریخی است که می‌توان با ارزیابی خطرات گوناگون و دسته‌بندی آنها طبق سناریوهای واقع‌بینانه و همچنین تحلیل آنها، اولویت‌ها را تعیین نمود. به بیان ساده مدیریت ریسک فرآیندی است که سعی دارد عدم اطمینان از آینده را با ذکر نتایج و ارزیابی احتمال و تأثیر آن، صریح و قابل کنترل نماید. اما در عصر معاصر موزه‌ها با چالش‌های غیرمنتظره‌ای مواجه هستند که مربوط به تغییرات آب و هوایی، تحول در ساختارهای اجتماعی، روش‌های آموزشی و فرهنگ سازی است. تبدیل بناهای تاریخی به سالن‌های



تصویر ۲: موزه تخت جمشید در سال ۱۳۱۳ (موسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو)

شود که پس از مستند نگاری و حفاظت های اولیه در مخازن آماده شده در محل نگهداری می شوند. با توجه به اینکه در بسیاری از موارد تعداد اشیاء فوق بسیار زیاد است و هر ساله و پس از هر فصل کاوش بر تعداد اشیاء یافت شده افزوده می شود، در برخی موارد این اشیاء به علت کمبود فضا در شرایط نامناسب انبار شده که این امر ریسک و خطرات مختلف تهدیدکننده ی این آثار با ارزش را نیز افزایش می دهد. به منظور مدیریت بحران ناشی از خطرات مختلف و همچنین جلوگیری از تخریب و از بین رفتن ارزش اشیاء موجود در این موزه، پس از ارزیابی ارزش آثار و اولویت بندی آنها (Value pie)، خطرات مختلف تهدیدکننده بنا و آثار موجود در آن شناسایی شده است که جهت کنترل ریسک این خطرات روش های کاهش ریسک (Mitigation methods) در سطوح استراتژیک، برنامه ریزی فیزیکی، سطوح فنی و همچنین سطح مدیریتی در دوره های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت برنامه ریزی شده است. همچنین در این طرح به مشارکت جوامع محلی اطراف مجموعه میراث جهانی تخت جمشید و جلب بیشتر مشارکت سازمان های مختلف و همچنین ایجاد ارزش عمومی در فرآیند مدیریت بحران نگاه ویژه ای شده است.

فضای موزه، ترک و ریختگی اندود در سطوح دیوار و ... به ویژه در بخش موزه ای آن وجود دارد. بخش نمایشگاهی ساختمان موزه دارای ۶ گالری است که حدود ۲۰۰ شی را در داخل ویتترین ها و یا بصورت آزاد در فضای داخلی خود جای داده است. آثار بخش نمایشگاهی و گنجینه شامل: آثار سنگی، سفال، آجر لعابدار، کتیبه ها، فلزات و سکه ها، پارچه های سوخته و غیره است. در خصوص خطرات تهدیدکننده آثار موجود در این موزه با توجه به قرارگیری محوطه تخت جمشید بر روی صفه، این موزه از خطر سیلاب در امان است، اما با توجه به تغییرات اقلیمی و افزایش بارندگی های شدید احتمال نفوذ آب به داخل فضای نگهداری آثار و همچنین افزایش رطوبت داخلی بسیار زیاد است. همچنین بخش های چوبی این ساختمان همچون سقف و ستون ها خطر آتش سوزی را در این موزه بالا می برد که با توجه به موقعیت موزه امکان دسترسی گروه های اطفاء حریق به سادگی فراهم نیست. لذا با توجه به فرسودگی ساختمان موزه و عدم دسترسی آسان به محل موزه، در صورت وقوع حوادثی همچون زلزله و پیامدهای تخریبی پس از آن می تواند آسیب پذیری ساختمان و اشیای تاریخی موجود در آن و یا پرسنل موزه را تشدید نماید. از دیگر سو پس از هر فصل کاوش باستان شناسی تعداد قابل توجهی اشیاء کشف می



تصویر ۳: ورودی موزه تخت جمشید و اشیاء موجود در موزه



بررسی روشمند «تل جلوگیر» در شمال تخت جمشید

وحید یونسی، سرپرست پروژه بررسی روشمند تل جلوگیر سعادت آباد ابرج در شهرستان مرودشت نیز در این رابطه گفت: با توجه به اهمیت ویژه ای که در موضوع باستان شناسی دشت مرودشت وجود داشت این پروژه به شماره مجوز ۹۹۱۰۱۶۴۵ با همکاری پژوهشکده باستان شناسی تعریف و آغاز گردید. وی در ادامه گفت: تل جلوگیر در حدود ۴۰ کیلومتری شمال تخت جمشید و در یک کیلومتری جنوب روستای سعادت آباد ابرج قرار دارد. یونسی در رابطه با اهداف بررسی روشمند این محوطه تاریخی افزود: شناخت گاهنگاری نسبی و معرفی شاخصه های سفالی دوره های تاریخی (هخامنشی، اشکانی، ساسانی) این محوطه در حوزه رودخانه کر استان فارس زمینه ساز دستیابی ما به اطلاعات و یافته های ارزشمندی از میراث فرهنگی خواهد شد. سرپرست پروژه بررسی روشمند تل جلوگیر در پایان گفت: با توجه به شواهد باستان شناختی که هم اکنون در حال بررسی است می توان این فرضیه را مطرح کرد که کاربری این مکان نیز یک قلعه هخامنشی بوده و احتمالاً در عصر ساسانی هم سکونت در آن وجود داشته است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با تاکید بر اینکه مطالعات و بررسی های میدانی محوطه ها و تپه های تاریخی دشت مرودشت یکی از برنامه های اساسی این مجموعه محسوب می شود، در این باره گفت: انجام بررسی های روشمند باستان شناسی از جمله فعالیت های مهمی است که می تواند با صرف هزینه اندک و بدون نیاز به کاوش های گسترده به نتایج و اطلاعات مهم تاریخی منجر شود. حمید فدایی اظهار داشت: می توان از این مطالعات به عنوان یک ضرورت در شناخت توالی فرهنگی دشت مرودشت یاد کرد. وی افزود: انجام این مطالعات همچنین ضمن آشکار نمودن ارزش های منحصر به فرد تپه ها و محوطه های تاریخی، می تواند اولویت مطالعات بعدی از جمله لزوم انجام مطالعات تعیین عرصه و حریم را مشخص و ترسیم نماید و از این جهت با اهداف حفاظتی نیز همراه شود.

فدایی همچنین با اشاره به بررسی های باستان شناسی اخیر این پایگاه گفت: اگر چه اولویت و تمرکز پایگاه در بررسی های اخیر بر روی حرایم تخت جمشید بوده است اما با کامل شدن این محدوده، هم اکنون قصد داریم بررسی ها را به کل شهرستان مرودشت تعمیم دهیم و در همین باره از ظرفیت های خارج از پایگاه و از جمله از رساله های محققین در انجام بررسی های روشمند محوطه های تاریخی استقبال نموده و پشتیبانی های لازم را به عمل خواهیم آورد. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از آغاز پروژه بررسی روشمند تل جلوگیر در دشت مرودشت خبر داد و در این باره اظهار داشت: تپه های تاریخی حوزه رود کر از اهمیت ویژه ای در باستان شناسی منطقه برخوردار هستند و به ویژه انجام بررسی های روشمند باستان شناسی در تل جلوگیر به دلیل آنکه شواهد ارزشمندی را از سه دوره مهم هخامنشی، اشکانی و ساسانی در خود جمع دارد می تواند با نتایج درخشانی همراه شود.

آغاز پروژه حفاظت و مرمت نقش بهرام دوم در نقش رستم

حمید فدایی با بیان اینکه فارس به عنوان خاستگاه دولت شهر ساسانی، با حدود ۳۰ نقش برجسته ساسانی، دارای بیشترین نقوش و کتیبه های صخره ای از این دوره مهم تاریخی است و در این میان محوطه تاریخی نقش رستم در ۱۰ کیلومتری تخت جمشید بیشترین تعداد نقوش صخره ای را در میان نقوش صخره ای فارس و ایران، یکجا در خود جمع دارد، گفت: موضوع اصلی این نقش برجسته ها القای صحنه های قدرت، دیهیم بخشی و یا صحنه های نبرد است. وی با این حال، افزود: متأسفانه بسیاری از این نقوش به دلیل واقع شدن در فضای باز و عموماً تحت تأثیر شرایط اقلیمی و با توجه به نوع سنگ



فنی مجموعه نقش رستم، برنامه مطالعه، مستندنگاری و تهیه طرح حفاظت و مرمت این نقوش در برنامه این کارگروه قرار گرفته است و به فراخور آسیب‌هایی که بر کالبد این آثار وارد شده، طرح حفاظت و مرمت تدوین می‌گردد. این کارشناس مرمت گر در ادامه گفت: پس از مستندنگاری و ارزیابی عوامل آسیب رسان به نقش برجسته که بر پایه شاخص‌های آسیب‌نگاری اثر و وضعیت سلامت آن به عمل آمد، سال گذشته طرح حفاظت و مرمت نقش هرمز دوم در اولویت‌های حفاظتی و مرمتی این مجموعه قرار گرفت و شاهد اقدامات ارزنده‌ای بر روی این نقش بودیم.

رخشنده خو ادامه داد: همچنین نقش بهرام دوم نیز اخیراً پس از طرح در شورای فنی پایگاه، در اولویت بعدی برنامه حفاظت نقوش ساسانی در مجموعه نقش رستم قرار دارد که به این نقش متأسفانه آسیب جدی وارد آمده است و به ویژه بخش‌های بالایی نقش که در طول زمان در دسترس بیشتر بوده از فرسایش بیشتری برخوردار است. بخش زیرین این نقش که در گذر زمان به تدریج در زیر خاک آوار مدفون شده، در سال ۱۳۱۷ خورشیدی طی کاوش‌های مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو، با انجام حفاری‌ها به سرپرستی «اریک اف. اش‌میت»، نمایان می‌گردد. مدیر مجموعه نقش رستم و نقش رجب با تأکید بر لزوم اقدامات حفاظتی و مرمتی این آثار ارزشمند، گفت: بر روی نقش بهرام دوم نیز تاکنون هیچ‌گونه فعالیت مرمتی انجام نشده است و نقش برجسته تحت تأثیر هوازدهی، دچار آسیب‌های متعددی همانند فرسایش، تورق، ترک، شکستگی و ... قرار گرفته است، لذا حفاظت از این نقوش در برگیرنده اقدامات درمان مبنی بر استحکام بخشی و مقاوم نمودن سطوح آن در برابر عوامل فرساینده خواهد بود. وی در پایان افزود: از آنجایی که نقوش برجسته صخره‌ای اسناد مکتوب گذشته بوده و تاریخ را از زبان سنگ روایت می‌کنند، بر ماست که این میراث کهن را که از گذشتگان دور با تلاش فراوان و احتمالاً با تفکر ماندگاری به دست ما رسیده است، با رعایت کامل امانت داری، به آیندگان منتقل کنیم.

در طول سده‌ها متحمل آسیب و فرسایش شده‌اند. به گفته فدایی، انجام مطالعات، مستندنگاری و حفاظت از این مجموعه بی‌نظیر از نقوش برجسته تاریخی، برای تاریخ و میراث فرهنگی کشور دارای اهمیت فراوان است. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اشاره به اهمیت نقوش به کار گرفته شده در دوره‌های مختلف تاریخی از جمله دوره ساسانی در نقش رستم که در حریم میراث جهانی تخت جمشید قرار گرفته است مطرح کرد: نقوش برجسته ساسانی در کنار آرامگاه‌های شاهان هخامنشی و این هر دو در کنار نقشی از پادشاهی ایلامی، ارزش‌های زمانی و مکانی این محوطه را ویژه‌تر نموده است؛ آنچه مسلم است، همه آثار واقع در این محوطه، نشان از مقدس بودن آن و استفاده آئینی از محوطه از دوره‌های بسیار دور تاریخی تا کنون دارد؛ به گونه‌ای که شه‌پاران ساسانی مهم‌ترین رویدادهای سرزمین و پادشاهی خود را بر دیواره‌های صخره‌ای این مکان مقدس نقش نموده‌اند و علاوه بر این، بر فراز این کوه آئینی هم در وسعتی زیاد دخمک‌ها و استودان‌های عهد ساسانی گسترده است. وی در ادامه با تأکید بر ضرورت انجام برنامه ریزی در زمینه حفاظت، مرمت و بهره‌برداری از این آثار فرهنگی، افزود: در حال حاضر حفاظت از این گنجینه بشری مهم‌ترین دغدغه پایگاه است که خود با برنامه ریزی‌های انجام شده از چند سال قبل تا کنون وارد مرحله جدیدی از اقدامات اجرایی و اضطراری مرمت شده‌ایم.

به گفته فدایی، این برنامه جامع که از سال ۱۳۹۶ با مستندنگاری محوطه و نقوش برجسته آن آغاز شد، در مراحل بعد با تجهیز و راه‌اندازی کارگاه و دفتر فنی دائمی در محوطه و با استقرار گروهی از کارشناسان، متخصصین و حفاظت‌گران سنگ، عملیات حفاظت بر روی آرامگاه خشیارشا تمرکز یافت که تا کنون نیز ادامه دارد. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید از آغاز فعالیت‌های حفاظت و مرمت نقش بهرام دوم در نقش رستم خبر داد و در این باره گفت: متخصصین و کارشناسان مستقر در محوطه در نیمه دوم سال گذشته عملیات مرمت بر روی نقش برجسته نبرد هرمز دوم که متحمل آسیب‌های زیادی شده بود را آغاز نمودند که در بهار سال جاری با موفقیت به اتمام رسید. وی افزود: با توجه به برنامه ریزی‌های قبلی، تهیه طرح اولیه و تأیید شورای فنی، در حال حاضر موضوع حفاظت از نقش بهرام دوم آغاز شده است و مراحل آسیب‌نگاری نقش در حال انجام است.

در ادامه مدیر داخلی مجموعه‌های نقش رستم و نقش رجب گفت: بالغ بر ۱۱ عدد از این نقش برجسته‌ها و همچنین کتیبه‌های خطی متعددی که در مجموعه نقش رستم و نقش رجب قرار دارند، همگی در فضای روباز و در معرض فرسایش ناشی از عوامل محیطی نظیر بارش باران، باد، دما و موارد متعدد دیگر قرار دارند و جمیع این عوامل باعث فرسودگی تدریجی این نگاره‌ها شده است. مصطفی‌رخشنده خو، افزود: با شکل‌گیری دفتر

که از آغاز دهه پنجاه خورشیدی برنامه نور و صدا در آن به اجرا درآمده است ولی این برنامه فصلی بوده و با توجه به درخواست‌های مکرر بازدیدکنندگان، ضرورت آن احساس می‌گردد تا با ایجاد زیرساخت‌های لازم و در نظر گرفتن حساسیت‌های حفاظتی محوطه، برنامه ثابتی برای بازدید ثابت شبانه برنامه ریزی و اجرا گردد. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، خاطر نشان کرد: با در نظر گرفتن مسائل حفاظتی، هدایت گردشگران با ایجاد مسیرهای تعریف شده گردشگری از ضروریات بازدید شبانه خواهد بود و به ویژه نورپردازی تأثیر شگرفی در هدایت مطلوب گردشگر و معرفی بهتر آثار خواهد داشت و ضمن ارتقای کیفیت فضا، حس هویتی برگرفته از بازدید را خواهد افزود.

قشقای، متخصص و طراح بین‌المللی نورپردازی که پروژه‌های مختلفی را در سطح ملی و بین‌المللی درون مرزی و برون مرزی از جمله پروژه عظیم خلیج فارس، باغ فین کاشان، موزه فرش تهران، عمارت کاخ موزه چهل ستون، باغ جهانی ارم، دروازه قرآن شیراز و... در کارنامه کاری خود دارد با گلایه از ضعف آموزشی و اطلاع رسانی که در این مقوله وجود دارد، بیان کرد: نورپردازی و موضوع معماری نور در شب متأسفانه به صورت یک تخصص میان رشته‌ای تعریف نشده است که در اینباره ما با چالش‌هایی بین مهندسان معمار و مهندسان برق و دیگر رشته‌های مرتبط مواجه هستیم و دانشگاه‌ها و مجامع حرفه‌ای نیز در این خصوص می‌توانند تأثیر بسیار خوبی بر این روند داشته باشند. وی ادامه داد: در کشور ما معماری نور بیشتر به موضوع زیباسازی می‌پردازد اما در کشورهای توسعه یافته علاوه بر مقوله زیباشناسی به تأثیرات روانشناسی، موضوعات بیولوژیکی و زیست محیطی و حتی درمانی در روشنایی یا نورپردازی‌ها لحاظ و بدان توجه می‌گردد. قشقای گفت: روشنایی و نورپردازی علاوه بر اینکه باید استانداردهای لازم را داشته باشد، علاوه بر تأمین عملکردهای چشمی می‌بایست به عنوان تکمیل کننده فضا به افزایش کیفیت فضایی برای کاربران نیز بپردازد. بومی سازی استانداردها در مقررات ملی هم باید با توجه به ویژگی‌های مختلف از جمله شرایط لازم پروژه در هر محدوده جغرافیایی تغییر یابد. عضو حرفه‌ای انجمن بین‌المللی طراحان نورپردازی IALD آمریکا با تأکید بر اینکه مشکلات رایج و تکراری در نورپردازی، تفکرات و رویکردها نسبت به این موضوع است، افزود: نورپردازی‌ها باید با توجه به شخصیت بنا چه تجاری، اداری، مسکونی و دیگر کاربری‌های متعدد باشد و نورپردازی پل‌ها، جداره‌ها، فضاهای شهری، فضاهای داخلی بسته به ارزش آنها متفاوت طراحی، محاسبه و اجرا گردد. قشقای با بیان اینکه هدف از نورپردازی توجه به حس و تجربه فضایی انسان است تا اینکه صرفاً چراغ پردازی و روشنایی بی هدف سطوح و احجام، خاطرنشان کرد: طرح جامع نورپردازی در مجموعه‌های مختلف می‌تواند از اعمال نظرات سلیقه‌ای و تعدد دیدگاه‌های افراد مختلف در یک مجموعه و ناهماهنگی طرح و ایده نور بخش‌های مختلف یک مجموعه جلوگیری کند و اهمیت موضوعات فنی، زیبایی‌شناسی و هویتی آن بنا



به منظور توسعه گردشگری شبانه: اجرای نورپردازی هوشمند میراث جهانی تخت جمشید

نشست تخصصی نقش نورپردازی در بناهای تاریخی و تأثیر نورپردازی در بازاریابی مجموعه جهانی تخت جمشید و سایر تأسیسات گردشگری با ایراد سخنرانی متخصصان این حوزه و با حضور مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، کارشناسان، مدیران اقامتگاه‌ها با هدف فرهنگ سازی و تعریف مسیر آتی صنعت گردشگری در تالار تشریفات مجموعه جهانی تخت جمشید، برگزار شد. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در ابتدای این نشست با خوش آمدگویی و ابراز امیدواری به آینده روشن در رابطه با جذب گردشگر به این مجموعه جهانی و آثار پیرامونی، مطرح کرد: ظرفیت‌های بسیار زیاد تاریخی در این مجموعه جهانی وجود دارد و اگر چه تخت جمشید نزد همگان شناخته شده است اما دیگر آثار تاریخی واقع در حریم آن، جهت حضور گردشگران نیازمند برنامه ریزی و مناسب سازی شرایط معرفی است.

حمید فدایی با تأکید بر اینکه در موضوع اقدامات فرهنگی در بناهای تاریخی به عنوان یک تجربه شبانه بصری، در بهره برداری بهتر امروز از صنعت گردشگری اثرگذار خواهد بود، بیان کرد: می‌توان ظرفیت‌های شبانه بازدید از آثار جهانی را برنامه ریزی و فعال نمود که خود می‌تواند در رونق اقتصاد جامعه محلی بسیار تأثیر گذار باشد. عملی نمودن این مهم خود نیازمند ایجاد یا ارتقای زیرساخت‌های لازم است. موضوع نور در ارتقای کیفیت بصری محوطه‌ها و ارائه تجربه‌ای نوین به مخاطبین خود از مهمترین مؤلفه‌ها در بازدید شبانه آثار است و ضروری است به طور ویژه بدان پرداخته شود.

وی افزود تخت جمشید از نخستین محوطه‌هایی است

متخصص دکتری مدیریت بازاریابی با اشاره به اینکه در حوزه گردشگری کشور در چه مقطع و سطحی هستیم، بیان کرد: اینکه ما چقدر توانسته‌ایم درآمدزا باشیم و اینکه در این جهت، اقداماتی که باعث می‌شود در شب برای اوقات فراغت گردشگران ایجاد شود به چه شکل و میزان بوده، خود نیز اهمیتی دو چندان دارد. وی گفت: با توجه به بازاریابی حسی و بازاریابی عصبی، انتخاب کالاها و خدمات در شب بیشتر ناشی از احساسات است تا منطق، لذا می‌توان گفت امکان ارتقاء درآمد در این زمان از شبانه روز بیشتر است؛ گرچه موضوع نورپردازی فقط یکی از ابزارهای جذب گردشگری است اما استانداردهایی بین المللی برای بهره گرفتن از سایر ابزارها وجود دارد. ابراهیمی با تاکید بر اینکه خسارت وارده بیماری کرونا به صنعت گردشگری به این خاطر اهمیت دارد که چالش‌هایی ایجاد کرده که ما بتوانیم اهمیت دیگر تخصص‌ها را بهتر درک کنیم، اظهار کرد: مفهوم گردشگری و تعریف آن به عنوان صنعت گردشگری، مدیریت صنعت گردشگری یا باز هم فراتر، سیاست‌هایی که باید بر مدیریت صنعت گردشگری حاکم باشد و همچنین داشتن استراتژی‌ها و گستردن آن در مقیاس بین المللی کرونا و هوشمندسازی این موارد از اقدامات لازم پایداری صنعت گردشگری، محسوب می‌شود.

یا فضا را بیشتر مورد توجه قرار دهد که این رویکرد تخصص مبنا در دراز مدت منجر به کاهش هزینه‌ها و خروجی بهتر و تعریف بهتری از فضای معماری شب بنا خواهد داشت.

محمد مهدی ابراهیمی در ادامه با تاکید به نقش نورپردازی در بازاریابی بهتر از مجموعه جهانی تخت جمشید در طول سال به صورت گردشگری شبانه، مطرح کرد: در دنیا ۸۰ تا ۹۰ درصد درآمدهای خدمات مصرفی در شب ایجاد می‌شود اما ما با داشتن مجموعه‌های منحصر به فردی چون تخت جمشید از درآمدزایی فرهنگی و اقتصادی نسبت به این امر، بی بهره ایم. وی افزود: تلفیقی از علم‌های مختلف کنار هم در جهت خروجی بهتر به لحاظ افزایش بهره‌وری از لحاظ درآمدزایی و ارزش افزوده‌ای که حوزه گردشگری می‌تواند ایجاد کند، مسیر بهتری را برای آینده صنعت گردشگری ترسیم خواهد کرد. ابراهیمی با بیان اینکه گردشگری ارائه کالا نیست، مطرح کرد: افزایش راندمان و بهره برداری بهتر از طریق موضوعات فرهنگی و در کنار آن موضوعات اقتصادی با شاخص‌های فرهنگی یا دیدگاه‌های مخاطبین شکلی مناسب‌تر پیدا می‌کنند و تخت جمشید به عنوان یک برند بین المللی و اهمیتی که فراتر از سایر مجموعه‌های گردشگری دارد می‌تواند اثربخشی لازم خود را داشته باشد.

از درآمدهای اقتصادی بیشتری، منتفع شوند. حمید فدایی گفت: تخت جمشید و توسعه پایدار آن توسط ایده پردازان این صنعت برای بهره‌برداری بهتر و ارائه خدمات گردشگری مطلوب‌تر به بازدیدکنندگان، نیازمند استفاده از خرد جمعی است که در این ارتباط راهنمایان گردشگری به عنوان سفیران فرهنگی در سطوح مختلف بین المللی، ملی و محلی، نقش کلیدی و قابل توجهی دارند. وی ادامه داد: تاثیرگذاری راهنمایان به دلیل ارتباط مستقیم با گردشگران، در توسعه گردشگری غیرقابل انکار است و به همین دلیل توجه به موضوعات آموزشی و حمایتی از جامعه راهنمایان گردشگری در برنامه‌های پایگاه جهانی تخت جمشید قرار دارد.

مدیرکل فرهنگی معاونت گردشگری و امور زائرین استانداری فارس نیز گفت: استانداری به عنوان نهاد حاکمیتی و به عنوان اصلی ترین مجموعه دولتی در هر استان محسوب می‌شود که مهم‌ترین وظیفه این مجموعه هماهنگی و سیاست‌گذاری دستگاه‌های اجرایی است. علوی خاطرنشان کرد: شیوع همه گیری کروناویروس، آسیب شدیدی به صنعت گردشگری وارد کرد، اگرچه تلاش‌هایی برای پیش‌بینی و تامین بسته‌های حمایتی از این صنعت، در دستور کار بوده است. این مقام مسئول تاثیرگذاری در شناخت بیشتر مجموعه‌های گردشگری را از مهم‌ترین تاثیرات راهنمایان گردشگری دانست و در این باره گفت: بسیاری از اماکن گردشگری فارس همچنان ناشناخته است و راهنمایان گردشگری به عنوان سفیران فرهنگی می‌توانند در راستای معرفی هرچه بهتر و مطلوب‌تر این اماکن و ظرفیت‌ها کمک کنند.



برگزاری نشست تخصصی نقش راهنمایان در توسعه و تقویت گردشگری

به نقل از روابط عمومی پایگاه تخت جمشید، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در نشست تخصصی نقش راهنمایان در توسعه گردشگری، ضمن گرامیداشت دهه مبارک فجر، گفت: رونق گردشگری با استفاده از ظرفیت‌های منابع انسانی به ویژه جامعه محلی بسیار تاثیرگذار است و این نقش می‌تواند به گونه‌ای بازتعریف و مدیریت شود که بومیان این منطقه و شهرستان مرودشت بتوانند علاوه بر دستاوردهای فرهنگی اجتماعی



کشف دروازه کوروش در نزدیکی تخت جمشید

پروژه بین المللی باستان شناسی در این راستا به خبرنگاران گفت: آخرین فصل کاوش‌های باستان شناسی هیأت مشترک ایرانی ایتالیایی پس از ۱۰ سال در حالی رو به اتمام است که باستان شناسان موفق شدند اثبات کنند که احتمالاً کوروش بزرگ فرمان ساخت دروازه پردیس پارسه را صادر کرده است و این دروازه باشکوه در دوره فرزندش کمبوجیه به بهره برداری رسیده است. وی ادامه داد: دروازه مکشوفه در محوطه تل آجری واقع در ۳ کیلومتری شمال غرب تخته‌گاه تخت جمشید قرار دارد. عسکری چاوردی در رابطه با ویژگی‌های این میراث منحصر به فرد در سطح جهانی، تشریح کرد: این دروازه بنایی به ابعاد ۳۰ در ۴۰ متر به ارتفاع تقریبی ۱۲ متر بوده است. بنا دارای کریدوری در مرکز بوده است که بخش مرکزی آن را اتاقی مستطیل به ابعاد ۸ در ۱۲ متر تشکیل می‌دهد و در درون این اتاق مرکزی ۴ صندلی نشیمن وجود داشته و راهروی مرکزی از دو طرف به سوی پردیس هخامنشی باز می‌شده است. سرپرست ایرانی این پروژه باستان‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز در رابطه با ویژگی‌های دیگر این محدوده در حال کاوش، بیان کرد: این دروازه از مواد و مصالح خشت و آجر بنا شده است و سرتاسر نمای داخلی و بیرونی آن مزین به آجرهای رنگین بوده است. بخش پایین و آزاره دیوارها مزین به گل‌های لوتوس، بدنه و نمای دیوارها مزین به انواع نقوش لعابدار رنگین از حیوانات اسطوره‌ای، نمادها و سمبل‌های اعتقادی ایران باستان، هخامنشی، عیلام و بین‌النهرین بوده است. مهمتر اینکه در اتاق مرکزی، کتیبه‌هایی به خط و نگارش بابلی و عیلامی وجود داشته است.

این باستان شناس اضافه کرد: مجموع اسناد نگارشی، مواد و مصالح ساخت بنا، نقوش بکار رفته در تزئین نمای بنا، تاریخ گذاری کربن ۱۴ و جنبه‌های تقدس و تشرف به این دروازه نشان می‌دهد این بنا پس از سال ۵۳۹

نحوه قرارگیری دروازه کوروش مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید گفت: با اجرای فصل دهم کاوش در محوطه «تل آجری» دروازه کوروش در نزدیکی تخت جمشید نمایان شد. حمید فدایی از انجام مراحل مختلف کاوش‌های باستان شناسی توسط هیأت مشترک ایرانی ایتالیایی در تل آجری خبر داد و در این باره مطرح کرد: فصل دهم کاوش در محوطه تل آجری در آذرماه سال جاری کلید خورد و در تکمیل کاوش‌های فصول پیشین، با هدف ساماندهی و آماده سازی محوطه و عرضه شواهد ارزشمند تاریخی آن به بازدیدکنندگان مجموعه، تا کنون نیز ادامه دارد. وی این کاوش را اقدامی مشترک با همکاران بین المللی در حوزه باستان شناسی با هدف بهره برداری و معرفی این محوطه، بناها و آثار تاریخی منحصر بفرد دوران هخامنشی به گردشگران و شهروندان دانست و در این زمینه افزود: با توجه به پیشرفت همزمان عملیات اجرای سقف حفاظتی بر روی این محوطه تاریخی، امید می‌رود که در آینده نزدیک این محوطه به عنوان یک «سایت موزه» مهم بتواند به عموم بازدیدکنندگان پارسه عرضه گردد.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با تاکید بر اینکه حفاظت و توسعه مراحل مختلف بهره برداری از این محدوده تاریخی گامی مهم در حوزه میراث فرهنگی و گردشگری کشور محسوب می‌شود، بیان کرد: این محوطه تاریخی در نزدیکی تخت جمشید شواهد مهم و ارزشمندی از شهر پارسه را در خود جای داده است و به جهت ارائه درکی ملموس از گستره پایتخت هخامنشیان، می‌تواند در توسعه گردشگری منطقه گام مهمی تلقی گردد. علیرضا عسکری چاوردی، سرپرست ایرانی این

هیأت باستان شناسی مشترک ایرانی ایتالیایی به سرپرستی، مشترک پی یو فرانچسکو کالیری از دانشگاه بولونیا و علیرضا عسکری چاوردی از دانشگاه شیراز از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ طی ۱۰ فصل کاوش باستان شناسی مجموعه اسناد و مدارک گسترده باستان شناسی از این محوطه کشف کردند. تلاش هیأت باستان شناسی بر تبدیل این محوطه به سایت موزه قابل بازدید برای عموم است و به همین دلیل اقدامات حفاظتی گسترده‌ای از طرف وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به ویژه پایگاه میراث جهانی تخت جمشید برای حفاظت از سازه‌های خشتی و آجرهای لعاب دار این دروازه فراهم شده است. برنامه کاوش و ساماندهی این محوطه مهم باستانی تا پایان سال ۱۳۹۹ ادامه داشت.

قبل از میلاد و به افتخار فتح بابل به دستور کوروش بزرگ ساخته شده است؛ فرزند کوروش بزرگ همزمان با حکومت پدر در شهر بابل به مدت ۸ سال فرمانروا بود و در سال ۵۲۹ قبل از میلاد به پادشاهی ایران رسید. علیرضا عسکری چاوردی در رابطه با اهمیت این دروازه در شهر پارسه، اظهار داشت: کوروش هخامنشی به دلیل اهمیت مذهبی و فتح مهمترین شهر دنیای باستان، بابل، دستور ساخت این دروازه را صادر کرد و کمبوجیه فرزندش به دلیل علاقه به شهر بابل، آشنایی دیرینه با بابلی‌ها و پیوند فرهنگی جهان باستان، کار ساخت مجموعه بزرگ معماری شهر پارسه به سبک معماری بابلی را ادامه داد و در دوره وی دروازه پردیس شهر پارسه در بخش فیروزی این شهر به بهره برداری رسید.



در ادامه نیز بانوان این پایگاه هر یک به بیان نظرات، ویژگی‌ها و مطالبات خود در حوزه‌های کاری و امور رفاهی پرداختند که هویت دار شدن پوشش‌ها با طراحی لباس فرم، برنامه‌های گردشگری و اجتماعی متناسب با اعتبار مجموعه جهانی تخت جمشید از مهم‌ترین محورهای مراسم مذکور بود. در پایان این نشست، برخی از بانوان با اشاره به اهمیت موضوع گردشگری و تاثیر آن در رابطه با نشاط اجتماعی و اقتصاد ملی و محلی، گفت و گو و بیان داشتند: ضرورت دارد در راستای موضوعات مربوط به امور رفاهی، سفرهای کوتاه مدت در هفته با توجه به اینکه یکی از اهداف اصلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به حساب می‌آید این مهم نیز تعریف شود تا ضمن پیشبرد مقوله فرهنگ سازی گردشگری به اهداف مرتبط با اقتصاد گردشگری موثر باشد. در واقع بانوان مجموعه جهانی تخت جمشید معتقدند که در صورت برنامه ریزی تعطیلی دو روز آخر هفته توسط دستگاه‌های متولی، این تعطیلی می‌تواند علاوه بر توسعه گردشگری به موضوع تحکیم بنیان خانواده‌ها هم کمک کند و در زمینه اجتماعی نیز تاثیر خوبی داشته باشد و منجر به اتفاقات مثبتی به خصوص در حوزه صنعت گردشگری و خانواده باشد.

تعطیلات آخر هفته با توسعه گردشگری و تحکیم بنیان خانواده در تخت جمشید

مراسم بزرگداشت روز زن و بانوان با حضور مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در این مجموعه برگزار شد. حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در ابتدای برنامه ضمن تقدیر از زحمات تاثیرگذار و حضور پررنگ بانوان در عرصه مدیریت و خدمات کارشناسی در این مجموعه جهانی، مطرح کرد: خوشبختانه در حال حاضر با حضور بانوان محترم این پایگاه و همچنین سایر کارشناسان و مدیران، اقدامات موثری در بخش‌های حفاظت و مرمت، باستان شناسی، معماری، امور فنی و مهندسی، امور مالی، حقوقی، رسانه و اطلاع رسانی و سایر فعالیت‌های مرتبط با حوزه گردشگری و صنایع دستی در حال انجام است. وی نقش بانوان را در این پایگاه جهانی مطلوب توصیف کرد و در این باره افزود: در این پایگاه به تعداد قابل توجهی از بانوان نیز مسئولیت‌های مختلفی سپرده شده که در همین باره نتایج و رضایتمندی مطلوبی را در این مجموعه شاهد هستیم.



آغاز پروژه حفاظت و مرمت اضطراری ایوان قدمگاه

بشری را مسجل نموده و نمایش می دهد. یاسر زارع گفت: بنابراین بر همه ما واجب است که از این ماهیت و اهلیت جهانی و تاریخی خود به عنوان ارزشمندترین گنج آشکار حفاظت نمود، چرا که هم اصالت ما را نمایان می سازد و هم با مدیریت صحیح محلی و به واسطه جذب گردشگر و هدایت آن ها به اماکن گردشگری نظیر بومگردی ها، می توان به توسعه پایدار منطقه کمک نمود و ضمن اشتغالزایی به استقلال اقتصادی رسید. این مقام مسئول با بیان اینکه، فرهنگ سازی در راستای حفاظت و مدیریت و معرفی بومی و محلی از میراث فرهنگی مجموعه ایوان قدمگاه، بهترین راهکار جهت رونق و توسعه پایدار این میراث گرانبه است، گفت: در این مجموعه تاریخی با کمک گرفتن از ظرفیت دهیاران توانمند و همیاران گرانبه میراث فرهنگی و همراهی متخصصین بزرگوار این حوزه، ایوان قدمگاه چاشتخوار را به نحو مطلوب مدیریت کرده و به عنوان یک میراث جهانی برجسته معرفی خواهیم نمود.

مصطفی رخشنده خو سرپرست کارگاه حفاظت اضطراری و ساماندهی ایوان قدمگاه در این باره گفت: این اثر در فاصله ۵۰ کیلومتری شرق تخت جمشید و نقش رستم و در منتهی الیه کوه رحمت یا مهر قرار دارد. وی در رابطه با کاربری این مجموعه تاریخی گفت: در رابطه با کاربری ایوان قدمگاه، نظرات متفاوتی همچون آرامگاه، آتشکده، محل قرار گیری اجساد مردگان در تاقچه ها، مناسب آیینی و موارد مختلف دیگر نام برده اند. رخشنده خو با ابراز گلایه مندی نسبت به حفاظت نشدن از این آثار باستانی، بیان داشت: بجز ثبت این مجموعه در فهرست آثار ملی به شماره ۱۲۱۹ در سال ۱۳۵۴ هیچ گونه اقدام حفاظتی بر روی این اثر بی نظیر صورت نگرفته و در دهه های اخیر علاوه بر عبور جاده روستایی از مقابل اثر و برداشت سنگ از جنب اثر به وسیله مواد انفجاری، همچنین در سال های اخیر شاهد حفر چاه های عمیق و برداشت بی رویه آب از سفره های زیر زمینی بوده ایم که این موضوع خود به خشک شدن چشمه آب واقع در مجاورت این اثر که در طول تمام سده های گذشته جوشان بوده است، منجر شده است.

پروژه حفاظت و مرمت اضطراری ایوان قدمگاه، واقع در کوه مهر (رحمت) و در محدوده جغرافیایی شهرستان ارسنجان، از آثار تاریخی برجای مانده دوران تمدنی هخامنشیان با هدف صیانت از این اثر ارزشمند انجام شد. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در اینباره گفت: آثار فرهنگی مربوط به ادوار مختلف تاریخی مملو از ظرفیت های فرهنگی و هنری هستند که امروزه با مطالعه بیشتر می توانند بازگوکننده نکات بی شماری از شرایط حیات زمان خود باشند و البته با معرفی بهتر نقشی سازنده در هویت بخشی به انسان امروزی و جوامع محلی ایفا نمایند. حمید فدایی افزود: به دلیل وجود چنین ظرفیت هویت بخش در میراث فرهنگی است که این آثار موضوع پژوهش های مختلف در علوم نظیر باستان شناسی، تاریخ، مردم شناسی، هنر و معماری قرار گرفته اند و از آنجا که این میراث تجسم عینی تاریخ و فرهنگ هر کشور محسوب می گردند، لذا عموم جهانیان از طریق واکاوی و شناخت این آثار، بر تاریخ و فرهنگ خود صحنه گذاشته و ضمن معرفی بهتر آن را ارج می نهند.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اشاره به ضرورت حفاظت از این آثار، گفت: به همین دلیل حفاظت از میراث فرهنگی در مقابل آسیب و تخریب ناشی از عوامل طبیعی و انسانی، بخشی از مسئولیت اجتماعی و وظیفه مشترک همگان محسوب می گردد. وی افزود: بنابراین ملتی که میراث دار چنین آثار ارزشمندی در قلمرو سرزمین خود است، شایسته است که به وظیفه خود در قبال نگهداری و صیانت از آن به نحو مطلوب عمل نماید که از جمله این آثار، ایوان قدمگاه واقع در منتهی الیه کوه مهر یا رحمت و در زمینه مهندسی و حجاری واجد عظمتی هم پایه با آرامگاههای هخامنشی در تخت جمشید و نقش رستم می باشد.

بخشدار مرکزی ارسنجان نیز با تاکید بر اهمیت حفاظت از آثار فرهنگی به خبرنگاران گفت: میراث فرهنگی ما همانطور که از نام و معنایش مشخص است چونان گنجینه ای است که ماهیت و هویت فرهنگی و تمدن جامعه

استحکام بخشی قطعات در حال سقوط، انتقال بلوکه وزین فراز آرامگاه به محل اصلی خود و تثبیت آن را آغاز و در دست اقدام دارد.

وی خاطرنشان کرد: شایان ذکر است در اطراف اثر، معدن سنگ هخامنشی، قبرستان متعلق به اوایل اسلام تا عصر قاجار و عصر حاضر و همچنین در مقابل اثر و در فاصله ۲۰۰ متری، آثاری از تل تاریخی به نام تل گچی دیده می شود که مطالعه آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند و هر یک برگی از تاریخ و رویدادهای محوطه ایوان قدمگاه را روشن خواهند نمود. این کارشناس مرمت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید گفت: لازم است که هر یک به سهم خویش گوشه ای از این پهنه شریف را بشناسیم و بشناسانیم، غبار تنهایی و کهولت را از وجودش بزداییم و با زنده ساختنش، هویت، اصالت و شناسنامه خویش را زنده سازیم.



سرپرست کارگاه حفاظت اضطراری ایوان قدمگاه، افزود: همچنین متأسفانه بی اعتنایی به مسئولیت همگانی در حفاظت و نگهداری از این محوطه باعث گردیده با یادگارنویسی های متعدد و تابلو نویسی تبلیغاتی با رنگ های صنعتی بر روی بدنه های اثر، چهره بسیار زنده ای ایجاد گردد و از سویی فرسایش طبیعی، ایجاد شکستگی، جداشدگی قطعات از بستر صخره، رویش درختچه ها و گیاهان فصلی، این اثر ارزشمند را با مخاطرات فراوانی مواجه کرده است. او در رابطه با اجرای پروژه مرمت اضطراری ایوان قدمگاه، تشریح کرد: مدیریت پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با همکاری کارگروه دفتر فنی مجموعه نقش رستم، اقدامات حفاظت اضطراری بر روی این اثر ارزشمند را در برنامه کار قرار داده و با توجه به تعدد آسیب ها، در مرحله نخست از اقدامات خود، پاکسازی یادگارنویسی ها، زدودن درختچه ها و گیاهان،

زیست بوم تخت جمشید و ضرورت پیوند حفاظت با توسعه

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در رابطه با برنامه ریزی های اجرایی این پایگاه نسبت به لزوم توجه به زیست بوم تخت جمشید و ضرورت حفاظت از آن به عنوان عامل و بستری در شکل گیری و توسعه تمدنی در منطقه خبر داد و در این زمینه مطرح کرد: زیست بوم و ظرفیت های طبیعی دشت مرودشت بعنوان بخشی از منظر فرهنگی و طبیعی تخت جمشید از مهمترین عوامل ایجاد و توسعه تمدنی چند هزارساله در منطقه بوده است و دقیقاً به همین دلیل است که شاهد حضور لایه های مختلف استقرار و سکونتی در قالب محوطه ها و تپه هایی از هزاره پنجم ق.م تا عهد حاضر در دشت مرودشت هستیم و به همین دلیل احترام به زیست بوم منطقه و حفاظت از یکپارچگی های تاریخی و طبیعی در منظر میراث جهانی تخت جمشید از مهمترین برنامه های راهبردی پایگاه محسوب می گردد. حمید فدایی تصریح کرد: در حال حاضر بخشی از یگان حفاظت شهرستان تحت عنوان گشت موتوری متولی صیانت و حراست از محدوده حرایم تخت جمشید است که خود شامل آثار تاریخی منطقه و هم ظرفیت های طبیعی آن همچون کوهستان رحمت و کوه حسین یا همان کوه نقش رستم است و این حراست از طریق حضور روزانه یگان حفاظت در حریم و سرکشی

مداوم نیروهای گشتی، تامین می گردد. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در رابطه با حفاظت، نگهداری و بهره برداری متناسب از ظرفیت های محیط زیست طبیعی دشت مرودشت افزود: توجه به آموزش های عمومی و تخصصی در زمینه های میراث فرهنگی و محیط زیست به منظور بهره مندی هر چه بیشتر از ظرفیت مشارکت های شهروندی از یک سو و از سوی دیگر توجه به هم افزایی واحدهای مرتبط با موضوع با بهره گیری از مشارکت میان دستگاه های متولی حفاظت می تواند از گام های اساسی در توسعه پایدار با محوریت میراث فرهنگی، محیط زیست و موضوع گردشگری محسوب گردد.

وی افزود: توجه به ظرفیت های موجود در حریم تخت جمشید از قبیل سازه ها و منابع آبی دوران باستان، توجه به پیوستگی فرهنگی و طبیعی در منظر میراث جهانی تخت جمشید، به کارگیری سیاست های حمل و نقل پاک در مسیر و محوطه جهانی تخت جمشید، مدیریت پسماند در محوطه با رویکرد فرهنگ سازی و زیباسازی محیطی، بررسی عوامل مخرب انسانی، جانوری و طبیعی در محیط زیست محوطه های گردشگری، از مواردی است که می تواند ترسیم کننده راهبردهای حفاظتی ما در قبال تاریخ و زیست بوم باشد و بین موضوع حفاظت و توسعه پایدار پیوند مطلوب برقرار نماید.



چهار هزار جلد کتاب در کتابخانه تخت جمشید در دسترس است

کنند و با توجه به اهمیت و جایگاه میراث فرهنگی در ایران، کتابخانه‌های تخصصی این وزارتخانه بیش از هر زمان دیگری نیازمند فراهم آوری، پردازش، ارائه و اشاعه اطلاعات لازم به پژوهشگران و مراجعه‌کنندگان است. وی افزود: در همین باره کتابخانه تخصصی تخت جمشید نیز با جمع آوری و گردآوری منابع و موضوعات مورد نیاز محققان و پژوهشگران، تلاش می‌کند تا اطلاعات لازم را در حوزه‌های میراث فرهنگی، باستان‌شناسی، مرمت، هنر و معماری، و... در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

مهرناز بردبار تصریح نمود: بی شک مجموعه سازی و تهیه منابع در کتابخانه‌ها فرایندی است که بخش مهم فعالیت یک کتابخانه را در بر می‌گیرد. انتخاب و خرید کتابها و مجلات مورد نیاز کتابخانه، بخصوص در کتابخانه‌های تخصصی و به سبب موضوعات خاص کتابخانه و نیازهای خاص مراجعه‌کنندگان باید با حساسیت و دقت بالا همراه باشد. این کارشناس مسئول ادامه داد: خوشبختانه تا کنون با مساعدت پایگاه، تامین بسیاری از منابع تخصصی مورد نیاز کتابخانه به نحوی شایسته محقق گردیده است. بردبار در پایان درباره ارائه خدمات این کتابخانه، توضیح داد: در سال ۱۳۹۹ نیز همچون سال‌های قبل روند تامین منابع تخصصی مورد نیاز پژوهشگران در دستور کار این پایگاه قرار گرفته است که از ابتدای سال جاری و با وجود همه‌گیری کرونا بیش از ۱۸۰ جلد کتاب تخصصی از طریق صفحات خرید آنلاین ناشران مربوط و از طریق نمایشگاه مجازی بین‌المللی کتاب تهران خریداری و در آرشیو کتابخانه قرار داده شد. او افزود: هم‌اکنون روند ثبت، فهرست نویسی، طبقه بندی و ورود اطلاعات کتاب‌شناسی این کتاب‌ها در جریان است.

روابط عمومی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید به نقل از مدیر این پایگاه بروزسانی کتابخانه تخت جمشید با ۱۸۰ جلد کتاب جدید را اعلام نمود. حمید فدایی با اشاره به فعالیت‌های کتابخانه تخصصی تخت جمشید بیان داشت: این کتابخانه قریب به هفتاد سال عمر دارد و بزرگانی همچون زنده یاد علی سامی و دکتر علیرضا شاپور شهبازی از پایه‌گذاران و گردآورندگان اولیه منابع تخصصی آن بوده‌اند و به ویژه در دهه‌های اخیر از کتابخانه‌های مهم و تخصصی در زمینه تاریخ ایران باستان به ویژه دوره هخامنشی و ساسانی محسوب می‌گردد.

مهرناز بردبار، مسئول کتابخانه تخصصی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید نیز با اشاره به اهداف تشکیل این کتابخانه‌ها در کشور، عنوان کرد: کتابخانه‌های تخصصی پایگاه‌های میراث جهانی کشور با هدف حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های علمی، پژوهش‌ها، فعالیت‌های تحقیقاتی و مدیریتی و کمک به افزایش سطح دانش کارشناسان و محققان فعالیت می‌کنند. وی افزود: عمده استفاده‌کنندگان این کتابخانه‌ها، کارمندان، کارشناسان، پژوهشگران و محققان این پایگاه‌ها و استادان، دانشجویان و پژوهشگران داخلی و خارجی خارج از پایگاه‌ها هستند که به گونه‌ای در حوزه‌های مرتبط با میراث فرهنگی مشغول به فعالیت هستند.

بردبار ادامه داد: با در نظر گرفتن این نکته که کتابخانه‌های تخصصی - پژوهشی از پردازشگاه‌های عمده و اصلی اطلاعات در سازمان‌ها به شمار می‌روند و به واسطه رسالتی که بر دوش دارند تلاش می‌کنند تا نقشی ارزنده در پویایی فعالیت نهادها و سازمان‌های مربوطه ایفا

آورده است که تمدن و فرهنگ نیاکان و پیشینیان ما به درستی به جهانیان مخابره شود و پیام دهنده صلح و دوستی و وحدت در جهان باشد. این روز بزرگ را با افتخار و در کمال فروتنی و تواضع به راهنمایان گردشگری جهان، ایران اسلامی سرافراز، استان متمدن فارس و همچنین راهنمایان بومی شهرستان مرودشت تبریک می گوئیم و موفقیت بیش از پیش این جامعه حرفه‌ای را خواستار آرزومندیم.»



راهنمایان گردشگری سفیران صلح جهانی هستند

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مرودشت در پیامی مشترک، روز جهانی راهنمایان گردشگری را به فعالان این عرصه تبریک گفتند. حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و بهمن مردانی رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مرودشت در پیامی مشترک، روز جهانی راهنمایان گردشگری را به فعالان این عرصه تبریک گفتند، در این پیام جهانی آمده است:

«راهنمایان عنوان بخشی از افراد فعال و حرفه مند صنعت گردشگری با اهداف و منافی که در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارند همواره در حال جستجو، پژوهش و ایفای نقش در شناساندن بهتر ظرفیت‌های میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، میراث طبیعی و سایر جاذبه های گردشگری ایجاد شده در محیط زیست ما دارند و با تاثیری که در تحقق اهداف و رسالت فرهنگی اجتماعی داشته اند به عنوان «سفیران صلح جهانی» شناخته می شوند. این حرفه مندان همواره سعی در افزایش راندمان و بهره برداری بیشتر و بهتر این عرصه را بر عهده داشته اند.

در جوامع بین‌المللی باید تعادل متناسبی بین عرضه و تقاضا در صنعت گردشگری به وجود آید، خدماتی که به گردشگران ارائه می شود باید مشخص و با توجه به زیرساخت ها و همچنین نیازها و خواسته هایی که آن ها دارند برنامه ریزی، مدیریت و ارزیابی شود که نقش راهنمایان فرهنگی و گردشگری در این فرآیند بسیار موثر و قابل تامل است. تخت جمشید و منظر فرهنگی طبیعی آن و محیط زیست این دشت باستانی همواره از دیرباز مورد توجه سیاحان و گردشگران بی شماری بوده و هست و جهانیان ایران را با تصویر گردشگری تخت جمشید یا تخت گاه پارسه می شناسند و شناساندن این ظرفیت هنرمندانه و منحصر به فرد بشری را راهنمایان می‌توانند از منظرهای مختلف به مخاطبان عام و خاص معرفی کنند. تخت جمشید یادمان ایرانی و میراثی جهانی با تمامی شکوه و عظمتی که در خود دارد این فرصت را فراهم



آغاز پروژه ساماندهی پهنه سبز بوستان پردیس تخت جمشید

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، از آغاز پروژه اجرایی ساماندهی پردیس جهانی تخت جمشید و پهنه سبز این محوطه جهانی نظیر منطقه چاه جنگل از دفع آفات و همچنین پاکنی درختان نسبت به علف های هرز خبر داد. حمید فدایی در این باره گفت: توجه به بوستان پردیس تخت جمشید یکی از برنامه‌های تأثیرگذار زیست محیطی و همچنین همسو با ارتقای صنعت گردشگری در این محوطه جهانی محسوب می‌شود و حفظ و نگهداری این پهنه سبز در منظر فرهنگی طبیعی تخت گاه تخت جمشید از اولویت های بسیار مهم پایگاه است. فدایی با اشاره به اینکه این پهنه سبز با مساحتی بالغ بر ده ها هکتار در غرب تختگاه تخت جمشید ایجاد شده است، بیان کرد: امروزه جاذبه‌های محوطه جهانی تخت جمشید و همچنین منظر فرهنگی طبیعی آن در حرائم و دشت مرودشت از ارزش هایی ویژه برخوردار هستند که حراست، حفاظت، نگهداری و بهره‌برداری از آن ها می تواند هم در برنامه ریزی و مدیریت پایگاه و هم در برنامه ریزی سایر دستگاه های دولتی و غیردولتی و بخش خصوصی، قرار گیرد.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، مطرح کرد: حفظ و نگهداری پهنه های سبز مصنوعی و طبیعی دشت مرودشت نظیر پردیس جهانی تخت جمشید و منطقه چاه جنگل، با توجه به توسعه صنعتی و ازدیاد آلاینده‌های

در این فصل زمانی، اظهار داشت: اجرای این پروژه باعث می‌شود که ریشه‌های علف‌های هرز از بین برود و این عملیات، سالانه مبلغ قابل توجهی از اعتبارات پایگاه جهانی را که در گذشته به منظور پاکسازی علف‌ها به منظور جلوگیری از وقوع آتش‌سوزی، هزینه می‌شد را کاهش خواهد داد.

طهماسبی با تأکید بر اینکه با انجام این پروژه، کمک شایان توجهی به احیای فضای سبز و نیز کم شدن هزینه‌های علف‌زنی در آینده می‌شود، افزود: پروژه مذکور، اهدافی چون کاهش رشد بی‌رویه علف‌های هرز را پیگیری می‌کند و همچنین ضمن مشاوره با کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان مرودشت، در زمین‌های بایر و فاقد درخت هم عملیات اجرایی حذف علف‌های هرز آغاز شده است. وی گفت: همه این تلاش‌ها در راستای پیشگیری از آتش‌سوزی درختان و پوشش گیاهی در فصول گرم سال آتی انجام شده است. این مقام مسئول در پایان خاطرنشان کرد: پیشگیری زود هنگام در جهت کم کردن پوشش گیاهی، تدابیر مدیریتی این پایگاه میراث جهانی در جهت کمک به کم کردن هزینه‌های قابل توجه در آینده است.

هوا در مجاورت محوطه و شهرستان مرودشت، می‌تواند نقش بسزایی در تصفیه هوا ایفا کنند و به نوعی تأثیرات مخرب آلاینده‌های هوا بر سنگ‌های تخت جمشید، محوطه و آثار پیرامونی منظر را نیز کاهش دهد. وی افزود: متأسفانه در طول سال‌های گذشته به دلیل عدم مراقبت‌های اصولی و همچنین به جهت خشکسالی‌های پی‌پی، آسیب‌هایی جدی بر پیکره درختان و پهنه‌های سبز وارد شده است که با توجه به وسعت پهنه، اقدامات مورد نیاز برای جبران آسیب‌ها و افزایش راندمان، نیازمند همکاری دستگاه‌های مختلف و همچنین مشارکت نهادهای مدنی و شهروندان است.

سجاد طهماسبی، مسئول دفتر فنی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، عملیات پاک‌سازی درختان در این فصل پایانی از سال جاری را بسیار حائز اهمیت دانست و در این باره گفت: پروژه پاک‌سازی و دفع آفات، مساحتی بالغ بر ۲۵ هکتار را شامل می‌شود که انجام آن، باعث مرتفع شدن بسیاری از مسائل مربوط به رشد بی‌رویه علف‌های هرز و ساماندهی بهتر و ایجاد منظر سبز مناسب‌تری در محوطه موسوم به چاه جنگل و همچنین پردیس مجموعه جهانی تخت جمشید خواهد شد. وی با اشاره به پاک‌سازی درختان

سعید زحمت‌کشان، دبیر این نشست، محورهای این گفتگو و دیدار را تشکیل انجمن دانش‌آموزی دوستداران میراث فرهنگی استان فارس، تهیه بسته‌های آموزشی در رابطه با میراث فرهنگی، برگزاری بازدیدهای آموزشی تفریحی برنامه محور و هدافمند، برگزاری ویژه برنامه‌های فرهنگی مشترک در بستر تاریخی مجموعه جهانی تخت جمشید، تعریف کارگاه‌های مهارت‌آموزی هنرهای سنتی، صنایع دستی و مردم‌شناسی، همکاری دو جانبه در تألیف کتاب، مجلات، مقالات، گزارش‌های تخصصی و یادداشت‌های علمی، همکاری دو جانبه در نهادینه شدن فرهنگ گردشگری با طرح پابلوت «تخت جمشید و منظر فرهنگی طبیعی آن»، تعریف و تهیه بسته‌های گردشگری برنامه محور تخت جمشید و جاذبه‌های پیرامونی با هدف تحکیم بنیان خانواده و تشکیل کانون گردشگری دانش‌آموزان استان فارس بیان و مقدماتی را در زمینه این برنامه تشریح کرد.

حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با تأکید بر اقدامات صورت گرفته در سطح بین‌الملل و ارزش‌های فراوان میراث فرهنگی که در این منطقه وجود دارد، مطرح کرد: تخت جمشید و منظر فرهنگی طبیعی آن بستر و ظرفیتی مناسب است برای هویت‌سازی که به نمونه‌های مشابه آن در جوامع بین‌المللی توجه زیادی می‌شود و ضرورت دارد در تخت جمشید نیز به استفاده از چنین ظرفیتی بیشتر توجه گردد. او گفت: توجه به محورهای حفاظت، آموزش، پژوهش و معرفی در مواریت فرهنگی موضوع بسیار جدی است و به ویژه با توجه به غنای توامان میراث فرهنگی و میراث طبیعی در منطقه پارسه، همواره محورهای یاد شده در صدر برنامه‌های پایگاه قرار داشته است. به ویژه بررسی و کاوش‌های اخیر در تخت جمشید



افزایش همکاری‌های میراث جهانی تخت جمشید و آموزش و پرورش فارس

مجموعه جهانی تخت جمشید و منظر فرهنگی طبیعی آن، پابلوت طرح‌های فرهنگی گردشگری استان فارس شد. طی مراسم و دیداری با مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید، مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس، رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان مرودشت و جمعی از کارشناسان دو مجموعه با موضوع تخت جمشید؛ پابلوت طرح ارتقاء و بهره‌برداری بهینه فرهنگی و اقتصادی صنعت گردشگری ایران با هدف برنامه ریزی مشترک و تعاملات بین دستگاهی صورت پذیرفت.

شهرستان مرودشت به لحاظ جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی، مذهبی و طبیعی که دارد، قطب گردشگری ایران است که اتفاقات اخیر به وجود آمده همانند موضوع پارک‌کار در تخت جمشید و یا سایر اتفاقات نادرست در سراسر کشور، باعث شد تا این چالش‌ها باعث بازبینی و خود ارزیابی ما در حوزه‌های مختلف از جمله موضوع حفاظت شود. او بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزش و پرورش را فرصتی طلایی در جهت اهداف مدنظر دانست و بیان داشت: تولید، توسعه و ترویج برنامه‌های آموزشی نسبت به اهمیت دادن جامعه هدف آموزش و پرورش در حفاظت و بهره‌برداری از آثار تاریخی، نگاه ویژه خود را می‌طلبد و کارشناسان ما می‌توانند با عقد تفاهم نامه همکاری در زمینه‌های آموزشی و برنامه‌های فرهنگی به صورت زیربنایی و با ایجاد کارگروه مشترک زمینه‌های لازم را در اینباره ایجاد نمایند.

فرهاد اسماعیلی، مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس، تخت جمشید را یکی از آثار شاخصی دانست که ارائه و اجرای برنامه فرهنگی تعریف شده در آن می‌تواند الگویی برای تمامی آثار با ارزش باشد. او گردشگری را در فرآیند تعریف شده آن ارزشمند دانست و اظهار داشت: بیشتر برنامه‌هایی که در گردشگری در حال اتفاق است، فرآیند تعریف شده مناسبی ندارند که ساختارمند نمودن آن لازم است با تدابیری همراه شود که قبلاً هم در شیراز نمونه‌ای تحت عنوان شیراز شناسی اجرا و مورد بهره‌برداری قرار گرفته که می‌تواند به عنوان یکی از الگوهای مناسب مطرح باشد؛ این مدل مدیریتی می‌تواند آثار شاخصی، چون تخت جمشید را در برگیرد و با الگوسازی مناسب و استاندارد نمودن، زمینه‌های لازم برای تعمیم دادن آن به کل کشور فراهم گردد. اسماعیلی بر این باور است که شناسایی و هدایت استعدادها برتر بر پایه طرح‌های مختلف و همچنین با تاکید بر یکی از مهمترین دغدغه‌های جامعه یعنی موضوع «هویت»، مطرح و با فرهنگ سازی در جامعه نهادینه گردد.

مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس با تاکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری در بازدیدی که از تخت جمشید داشته‌اند و همچنین موضوعاتی که در رابطه با هویت ایرانی اسلامی مطرح کرده‌اند، بیان کرد: بنا داریم در سند تحول بنیادین به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه اسلامی ایران، این موضوعات را پیگیری کنیم که نگاه تمدنی به این روند داریم و باید این مهم به صورت هدفمند پیگیری شود تا دانش‌آموزان به خوانش پیشینه و سایر جنبه‌های موجود در این بسترهای تاریخی بیش از گذشته توجه داشته باشند. فرهاد اسماعیلی در رابطه با بهره‌برداری فرهنگی بهتر از آثار فرهنگی و تاریخی، گفت: آمادگی داریم که در این زمینه با پایگاه میراث جهانی تخت جمشید به عنوان یک نهاد شاخص در کشور به صورت پایلوت، تفاهم نامه‌ای را امضاء کنیم و در این مسیر این فرصت فراهم می‌گردد تا با تشکیل کارگروه و انجام هدف گذاری، بتوانیم به شکل درستی، موضوعات مربوط به تاریخ و ارزش‌هایی که اکنون ما

و حرایم پیرامون آن در دشت مرودشت شواهدی را در اختیار گذاشته که نشان می‌دهد این منطقه مملو از ویژگی‌های منحصر به فرد تاریخی و فرهنگی است و باید از این قابلیت‌ها، بهره‌برداری مناسب بعمل آید. فدایی با اهمیت دادن به نقش اجتماعی شهروندان در حفاظت، توسعه و بهره‌برداری از میراث فرهنگی، بیان داشت: ما به عنوان میراث بانان یک دغدغه بسیار جدی داریم که بتوانیم متغیرهای فرسایش و تخریب که زیاد هم هستند را شناسایی و نسبت به کاهش پیامدهای نامطلوب آن تلاش کنیم که از جمله آن‌ها موضوع وندالیسم است؛ البته در کشورهای دیگر هم این دغدغه‌ها و ناهنجاری‌ها وجود دارد که با ایجاد حساسیت‌های فرهنگی در جامعه و برجسته نمودن نقش حوزه‌های مسئولیت اجتماعی، مشکل وندالیسم را به میزان قابل توجهی مدیریت کرده‌اند.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید گفت: حوزه میراث فرهنگی در دهه‌های گذشته زیر مجموعه دستگاه‌های آموزشی و فرهنگی و از جمله وزارتخانه آموزش و پرورش و همچنین فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده و بعدها استقلال یافته و با صنعت گردشگری و صنایع دستی ادغام شده است. وی افزود: این تغییرات اگر چه ارتباطات تشکیلاتی و سازمانی ما را با دیگر دستگاه‌های عهده دار آموزش و فرهنگ قطع کرده، اما باعث نشده که به ظرفیت‌های آموزشی و فرهنگی موجود در دستگاه‌های مرتبط بی‌اعتنا باشیم و از آن در جهت حل مشکلات موجود و رشد و بالندگی میراث فرهنگی بهره‌مند نگردیم، به ویژه آموزش و پرورش با ارائه آموزش‌های به هنگام، نقش مهم و تعیین کننده‌ای در وفاق و دوستی کودکان و نوجوانان با تاریخ و میراث فرهنگی خود خواهد داشت که این خود زمینه ساز ایجاد موضوعات هویتی در سنین بالاتر خواهد بود و بطور قطع از بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های فرهنگی که بعضاً نمود آن را در قالب آسیب‌های فیزیکی به میراث فرهنگی می‌بینیم خواهد کاست و فرهنگ حفاظت را تقویت خواهد نمود.

فدایی عنوان کرد: با توجه حساسیت‌هایی که نسبت به مسائل عمومی میراث فرهنگی و حفاظت از آن وجود دارد، پیگیری آن هستیم که ارتباط فرهنگی و آموزشی را با دستگاه‌های مرتبط ایجاد نماییم و با نشست و گفتگو و برنامه ریزی‌های مشترک فرهنگی، بسته‌های مشترکی را در قالب رویدادهای فرهنگی هدفمند و در جهت ارتقای فرهنگ حفاظت از میراث فرهنگی تدوین نموده و اجرا کنیم. او اذعان داشت: ظرفیت‌های میراث جهانی تخت جمشید فرصتی بی نظیر به منظور رقم زدن اتفاقات صحیح فرهنگی و آرایه بیان درستی از موضوعات هویتی و تمدنی و نحوه مواجهه ما با آن است که خود بر پایه معرفی و آموزش صحیح می‌تواند بر گردشگر و فرهنگ گردشگری تاثیر گذار باشد و بستر مطمئنی برای توسعه اقتصادی جامعه محلی فراهم سازد.

بهمن مردانی، رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان مرودشت در ادامه به اهمیت موضوع فرهنگ سازی پرداخت و در این باره گفت:



برگزاری آیین تجلیل از بازنشستگان مجموعه جهانی تخت جمشید در بزرگداشت روز مرد

آیین تجلیل از بازنشستگان و مرمطگران مجموعه جهانی تخت جمشید به مناسبت بزرگداشت روز مرد در ولادت حضرت علی (ع) با حضور مهمانان ویژه و کارکنان این مجموعه جهانی برگزار شد. بازنشستگی، آغازی دوباره در عرصه‌های کاری و فصلی جدید از زندگی به شمار می‌رود تا در کسوت بازنشستگی این ظرفیت انسانی بتواند با تکیه بر علم و تجربه چندین ساله، در مقام مشاور و راهنما، به رسالتی نو ادامه دهد و منشأ خدمات ارزنده برای فرزندان این مرز و بوم در تمامی عرصه‌ها گردد. تخت جمشید، میراثی ایرانی و جهانی است که در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود تا کنون پذیرای پادشاهان، مهندسان، هنرمندان، صنعتگران، گردشگران و پاسداران و میراث دوستان بیشماری بوده است و این بدان معناست که این مکان یادمانی به دلیل ارزش‌های ویژه خود در زمینه هنر و معماری باید به شکلی درست و ساختارمند مورد پژوهش، معرفی، حفاظت و حراست و البته بهره‌برداری قرار گیرد. پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با همکاری اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شهرستان مرودشت، سالروز ولادت مولای متقیان حضرت علی (ع) و پاسداشت منزلت پدر و بزرگداشت روز مرد، فرصت مناسبی یافت تا در آیینی که به نوعی مراسم بازآفرینی بازنشستگان مجموعه بود، ضمن تجلیل از این بزرگان و نیکان عرصه حفاظت و مرمت و میراث بانان خدوم، زحمات فراوان ایشان را در طول سه دهه گذشته ارج نهد.

حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در سخنرانی خود در ابتدای این آیین با تبریک

میراث دار آن هستیم را مورد تامل قرار داده و در قالب برنامه‌های فرهنگی مشترک ارائه کنیم.

این مقام مسئول «طرح بوم» را فرصت طلایی در راستای شروع این همکاری دانست و بیان کرد: مدارس در مقطع متوسطه اول با فرصت‌های آموزشی که به تازگی از آن برخوردار هستند می‌توانند آموزش‌های حوزه میراث فرهنگی، گردشگری و یا صنایع دستی را در اولویت قرار دهند و چنانچه در اینباره تولید محتوا در موضوعات تاریخی، معماری، گردشگری، مردم‌شناسی و فولکلور، خرده فرهنگ‌ها و ... به درستی صورت پذیرد، قابلیت ارائه آن در مقطع راهنمایی که دوره شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش آموز است، وجود خواهد داشت. عالی‌ترین مقام تصمیم‌گیر حوزه آموزش و پرورش استان فارس اعتقاد دارد که روایت داستان‌های اساطیری یا قهرمانان ملی نظیر آریوبرزن از ایران قبل از اسلام و مرتضی جاویدی اسطوره و دلاور مرد دوران دفاع مقدس در بسترهای تاریخی و فرهنگی در شکل‌گیری شخصیت دانش آموزان موثر خواهد بود.

فرهاد اسماعیلی در رابطه با ظرفیت‌های اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، تشریح کرد: این استان با دارا بودن ۸۵۰ هزار دانش‌آموز محصل، ۶۵ هزار معلم و به همین تعداد معلم بازنشسته این امکان را دارد تا با تعریف بسته‌های گردشگری، مسابقه و رویدادها و پویش‌های گوناگون، فرصت بهره‌برداری بهتر از جاذبه‌های گردشگری را فراهم کند. او گفت: طرح‌های حافظ خوانی، شاهنامه خوانی و سعدی شناسی از برنامه‌های اجرا شده موفق آموزش و پرورش است و امید داریم با عقد تفاهم نامه ملی بین دو وزارت آموزش و پرورش، گردشگری و صنایع دستی و وزارت آموزش و پرورش، ارتباطات موثرتری را شاهد باشیم.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و مدیر کل آموزش و پرورش استان فارس در این دیدار با توجه به مصادف شدن سالروز ثبت جهانی نوروز باستانی از برگزاری ویژه برنامه نوروز باستانی به صورت مجازی و مشترک بین دو مجموعه در سال آتی خبر دادند. حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در پایان با ابراز امیدواری از همکاری‌های آتی، ظرفیت‌های کم نظیر آموزش و پرورش را بسیار مهم و کلیدی دانست و اشاره کرد: این ظرفیت‌ها در کنار فرصت‌های تخت جمشید بعنوان یک میراث جهانی بی‌بدیل، می‌تواند مکمل یکدیگر باشند و الگوی موثری را در زمینه برنامه ریزی و ارائه بسته‌های مشترک آموزشی و فرهنگی، ارائه نماید و تحقق آن نیز تاثیر بسزایی در افزایش سطح آگاهی‌های عمومی جامعه و ارتقای فرهنگ حفاظت خواهد داشت و قابل بهره‌برداری برای سایر محوطه‌های میراثی خواهد بود.

که ما از کارکنان بازنشسته داریم، این بزرگواران خستگی ناپذیرند و بر این باوریم که مجموعه جهانی تخت جمشید می‌تواند افتخار اعتلای این میراث جهانی را در ادامه با چراغ هدایت این گنجینه‌های فکری و تجربی در اختیار و همراهی خود داشته باشد. سیروس زارع از اساتید با تجربه حفاظت و مرمت مجموعه نیز به نمایندگی از سوی همکاران بازنشسته ضمن تشکر از برگزارکنندگان این مراسم گفت: حضور در تخت جمشید و حفاظت و مرمت این میراث بزرگ بشری، افتخار بزرگی است که نصیب کمتر کسی می‌شود و این افتخاری بود که بعد از سال‌ها کارآموزی و ممارست نزد اساتید قبلی، خوشبختانه نصیب ما شد. وی افزود: تخت جمشید برای همه ما حکم خانه را داشته و دارد و امروز هم با بازنشست شدن احساس نمی‌کنیم که این خانه را ترک می‌کنیم. سیروس زارع تجلیل از پیشکسوتان عرصه حفاظت و مرمت را که پیش از این برای سال‌ها در عرصه حفاظت و صیانت از میراث تخت جمشید زحمت کشیده‌اند را یک ارزش خواند و ابراز امیدواری کرد که رویدادهای مشابه فرهنگی در جهت تکریم پیشکسوتان تداوم یابد تا بتوان در محیط و فضایی صمیمی‌تر به انتقال تجربه پرداخت.

معصومه عرب پور، مسئول امور رفاهی کارکنان پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و دبیر این آیین با بیان اینکه در هر دستگاهی تقویت نگرش مثبت لازم است، گفت: بر اساس برنامه ریزی‌هایی که در این پایگاه جهانی داشته‌ایم، موضوع رفاهی جایگاهی ویژه برای ما دارد و یاد روز مرد را فرصتی ارزشمند در جهت تقدیر از همکاران بازنشسته خود دانستیم و این آیین را برگزار کردیم. وی گفت: ما معتقدیم که یکی از ارکان اساسی هر تشکیلاتی سرمایه انسانی آن مجموعه است و می‌دانیم که بازنشستگان ما همچون گذشته ظرفیت ارزشمند آتی پایگاه میراث جهانی تخت جمشید خواهند بود و ما این مهم را باور داریم. شایان ذکر است در این برنامه، پس از پخش مستندی کوتاه ساخته هرمز امامی از اقدامات حفاظت و مرمت مجموعه تخت جمشید مربوط به سال‌های دهه هشتاد خورشیدی، با اهدای سپاسنامه از زحمات ده تن از همکاران و استادکاران بازنشسته آقایان: سیروس زارع، کهزاد حبیبی، مهرزاد زارع، رضا رنجبر، حسن زارع، گل محمد زارع، خشایار زارع، ایوب صفی زاده، علی ضامن خالیدیان و خدامراد سلطانی تقدیر و همچنین یاد و خاطره مرحوم اصلان زارع و سعید زارع از اساتید درگذشته و سابق مرمت، گرامی داشته شد.

ولادت حضرت علی (ع) و روز مرد، به تمامی همکاران و میراث بانان مجموعه جهانی تخت جمشید و اداره میراث فرهنگی شهرستان مرودشت، بیان داشت: این آیین را فرصتی مغتنم می‌دانیم تا ستایش خداوندی را کنیم که شعله عشق علی (ع) را در فانوس سینه پر مهر و محبت تمامی شیعیان جهان روشن نمود و گرامی می‌داریم روز مرد را و مفتخریم در این روز میمون آیین قدردانی از خدمات صادقانه سه دهه تلاش و زحمت بزرگان عرصه حفاظت و مرمت را برگزار می‌کنیم. وی با تأکید بر اینکه فعالیت در مجموعه تخت جمشید یک افتخار بزرگ محسوب می‌شود، گفت: باور داریم بجز عشق و دلبستگی به میراث فرهنگی عامل دیگری نمی‌تواند چنین جاذبه‌ای را برای خدمت‌گزاری سبب گردد و این عشق به خدمت‌گزاری به گونه‌ای بوده که این نیکان نه تنها در سخت‌ترین شرایط کار در کارگاه‌های مرمت و ساماندهی مجموعه، همواره سربلند و پیروز بوده‌اند، بلکه امروز که بازنشسته می‌شوند، با آموزش‌های کاربردی خود به کارآموزان جوانتر، بزرگترین هدیه را به ما ارزانی داشته‌اند.

فدایی افزود: بر این باوریم که با انتقال دانش فنی و تجربی به نسل جوان‌تر، رسالت از سوی اساتید مرمت کامل شده و با جایگزین شدن نیروهای فنی و کارگاهی در کنار کارشناسان مرمت، دیگر دغدغه‌ای برای متوقف شدن فرآیند حفاظت و نگهداری تخت جمشید که در تمام دهه‌های اخیر همیشه جاری و پویا بوده است، وجود نخواهد داشت. مدیر پایگاه جهانی تخت جمشید در پایان با ابراز امیدواری از حضور مشاوره‌ای اساتید بازنشسته در کارگاه‌های مرمت تصریح نمود: این روز را آغازی دوباره و البته متفاوت برای بازنشستگان محترم مجموعه می‌دانیم و مفتخریم در مسیر رو به جلوی تخت جمشید، بتوانیم از باور جدید و عزم راسخ شما، ضمن بهره‌مند شدن از تجارب و مشاوره شما، موثرتر عمل کنیم. بهمن مردانی، رئیس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی نیز در ادامه، بخش قابل توجهی از اقدامات انجام شده در حفاظت و توسعه مجموعه جهانی تخت جمشید، نقش رستم و سایر آثار پیرامونی شهرستان مرودشت را نتیجه زحمات این همکاران بازنشسته دانست و در این باره گفت: امروز ما بیش از هر چیز وظیفه داریم که ارزش‌آفرینی‌های همکاران بزرگوارمان را که نتیجه سال‌ها تلاش و پشتکار بوده را پاسداری کنیم و آن اقدامات را تداوم بخشیم. وی به نقش شایسته بازنشستگان در فعالیت‌های آتی این مجموعه جهانی اشاره داشت و بیان کرد: با شناختی



تلاش برای تبدیل محوطه شهر استخر به پایگاه پژوهشی

اشاره کرد. فدایی افزود: همچنین انجام تعمیرات اساسی در اتاقک نگهبانی محوطه به منظور ایجاد دید مطلوب تر حفاظتی توسط پرسنل یگان به آثار محوطه، از دیگر اقدامات اصولی انجام شده محسوب می‌شود. او گفت: برای حضور دائمی کارشناسان حفاظت و مرمت در این محوطه تاریخی، در ماه‌های گذشته نسبت به انجام تعمیرات اصولی و تجهیز و راه‌اندازی مجدد مرکز مطالعاتی محوطه، اقدام شده و با تکمیل آن، طی چند هفته گذشته گروهی مجرب از کارشناسان حفاظت و مرمت در این محوطه مستقر شده‌اند و هم‌اکنون عملیات حفاظت و مرمت اضطراری آثار سنگی محوطه با تمرکز بر تنها جرز سنگی بلند در محوطه آغاز شده است.

فدایی از توسعه پروژه نورپردازی و تکمیل سیستم حفاظت الکترونیک محوطه خبر داد و گفت: با تلاش شبانه‌روزی همکاران ما در واحدهای حراست پایگاه و واحد تاسیسات و فن‌آوری اطلاعات، امیدوار هستیم که کمبودهای مربوط به اینترنت و خطوط تلفن را نیز مرتفع کنیم. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در پایان اشاره کرد: با تکمیل زیرساخت‌های مورد نیاز، در تلاش هستیم که محوطه شهر استخر همچون محوطه نقش رستم به یک پایگاه پژوهشی و حفاظتی دائمی تبدیل شود، چرا که همیشه کمبود زیرساخت‌ها، از دلایل مقطعی بودن فعالیت‌های کارشناسی در این محوطه بوده است.

مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با اشاره به آغاز کار پروژه مرمتی و حفاظتی در محوطه تاریخی شهر استخر، ابراز امیدواری کرد که این محوطه نیز در آینده به یک پایگاه پژوهشی و حفاظتی دائمی تبدیل شود. حمید فدایی از تجهیز کارگاه و آغاز پروژه مرمتی حفاظتی شهر استخر خبر داد و گفت: شهر استخر از نخستین محوطه‌های تاریخی ثبتی کشور بوده و به لحاظ ارزش‌های منحصر به فردی که دارد به لحاظ مستندنگاری، ساماندهی و حفاظت، در اولویت‌های این پایگاه است. فدایی با بیان اینکه محوطه شهر استخر حدود ۶۰ هکتار مساحت دارد و سال ۱۳۱۰ در فهرست آثار ملی ثبت شده است، گفت: این محوطه به دلیل آرایه شواهدی از دوره هخامنشی و رویدادهای پس از آن به ویژه در دوره ساسانی تا دوران اسلامی از مهمترین شهرها و محوطه‌های تاریخی استان فارس و ایران است.

مدیر تخت جمشید گفت: موضوع مستندنگاری، ساماندهی و انجام حفاظت‌های اضطراری از برنامه‌هایی بوده که طی چند سال گذشته در این محوطه بدان توجه شده است، که از جزییات آن می‌توان به مستندنگاری آثار شاخص محوطه، بهسازی مسیر قبلی دسترسی به آثار محوطه و ایجاد و اضافه کردن مسیری جدید برای دسترسی به آثار کاوش شده در بخش شرقی محوطه و ایجاد کارگاه مرمت بر روی بلندترین جرز سنگی موجود در محوطه



ارتقاء فرهنگ گردشگری با پاکسازی محوطه جهانی تخت جمشید

پاکسازی محیط زیست محور اختصاصی ملل در محوطه جهانی تخت جمشید با حضور سازمان‌های مردم نهاد، دوستداران محیط زیست، مدیران، پاکبانان و کارکنان مجموعه جهانی تخت جمشید در جهت ایجاد منظر و محیطی تمیز و زیبا با رویکرد فرهنگ‌سازی، صورت پذیرفت. حمید فدایی، مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید در حاشیه این برنامه به صورت مجازی به خبرنگاران در رابطه با اهمیت توجه به قوانین و فرهنگ بهره‌برداری از محیط زیست، مطرح کرد: در جوامع مختلف، فرهنگ زیست محیطی از آن جایی اهمیت پیدا می‌کند که می‌تواند اثرات مثبت و منفی در تعاملات انسان با محیط زیست بگذارد و این منجر به پیامدهایی در آن جامعه خواهد شد. وی با اشاره به ضرورت فرهنگ سازی و نهادینه کردن نظام زیست محیطی، گفت: قطعاً در انجام فرهنگ‌سازی، آموزش رکن اساسی در برنامه‌ریزی‌ها خواهد بود. وی ادامه داد: در واقع از اهداف فرهنگی میراث جهانی، تقویت حس هویت و شکل دادن رفتارهای جامعه مبتنی بر ارزش‌ها بوده و البته نهادینه کردن این فرهنگ به فرآیندی مستمر بجز با ارایه آموزش‌های لازم و فرهنگ‌سازی گسترده ناممکن است. مدیر پایگاه میراث جهانی تخت جمشید با تأکید بر نقش دستگاه‌های دولتی و نهادهای مدنی نسبت به مسئولیت اجتماعی شهروندان و گردشگران در بهره‌برداری از محیط زیست، افزود: دستگاه‌های دولتی نظیر آموزش و پرورش، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و همچنین میراث فرهنگی و گردشگری و نهادهای مدنی نظیر سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها و شهرداری‌ها می‌توانند با ارایه آموزش‌های لازم و کاربردی به جامعه هدف خود که با آن ارتباط مستقیم دارند، تعهدات اجتماعی را به حفاظت از محیط زیست تقویت نمایند و به سهم خود در پایداری این عرصه نیز موثرتر عمل کنند. او خاطر نشان کرد: محوطه

جهانی تخت جمشید به عنوان منظر تاریخی و طبیعی به دلیل وسعت زیاد خود و قرار گرفتن در مسیرهای متعدد پیاده و تردد گردشگران، همواره در کانون توجه دوستداران میراث فرهنگی و محیط زیست بوده است و منظر این مجموعه تاریخی فرهنگی ایجاب می‌کند همیشه عاری از زباله و پاکیزه بماند.

سعید زحمت‌کشان، دبیر هماهنگی این برنامه فرهنگی نیز اظهار داشت: تخت جمشید و محوطه پیرامونی آن به دلیل ارزش‌های خود یک مقصد گردشگری منحصر به فرد محسوب می‌گردد و با توجه به حضور همیشگی و بهره‌برداری گردشگران از این منظر فرهنگی، باید پاکیزگی مجموعه به گونه‌ای باشد که همیشه تصویر ذهنی مناسبی برای مخاطبان ایجاد کنیم. این فعال میراث فرهنگی با تأکید بر ضرورت توجه به فرهنگ گردشگری، بیان کرد: گردش و گردشگری یک رویداد و رویه معمول در زندگی انسان است، بنابراین می‌تواند به عنوان ظرفیتی هم در اقتصاد جامعه و هم در فرهنگ سازی جوامع مختلف حایز اهمیت فراوان باشد و در این زمینه دستگاه‌های مختلف و به ویژه نهادهای مدنی می‌توانند نقش آفرین بوده و فرهنگ گردشگری حاکم بر جامعه را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اعتباری تشکیلات دولتی و غیردولتی و مشارکت همگانی ارتقا دهند.

زحمت‌کشان فرهنگ بهره‌برداری نادرست گردشگران از محیط زیست را یک آسیب اجتماعی دانست و در این باره گفت: اقدام مثبتی که در دولت تدبیر و امید صورت پذیرفت، توجه ویژه به نقش نهادهای مدنی در پایداری و پیشبرد نگاه توسعه‌ای بود که به نوعی برونسپاری بخشی از مدیریت را به شهروندان، البته در ساختاری نظام مند هدایت کرده است و لازم است نقش و جایگاه این ظرفیت ایجاد شده توسط دستگاه‌ها بسیار جدی‌تر مورد مداخله قرار گیرد. وی در پایان گفت: بنابراین ضرورت دارد فرهنگ گردشگری در لایه‌های گوناگون اجتماعی ارزیابی، ظرفیت‌سنجی و آسیب‌شناسی شود و با ارایه آموزش‌های صحیح و کاربردی به جامعه، تبیین و فرهنگ‌سازی گردد.





Photographer: Afshin Ariafar
Naqsh-e Rostam / C.R

به نامبرده آماده گردید. پس از مطابقت اشیاء با فهرست دفتر ثبت اموال، متوجه شدیم در این مدت حتی یک شیء کم نشده است و تمامی اشیاء با فهرستی که از چند دهه پیش آماده شده بود مطابقت داشت و این موضوع نشان از کار دقیق و نظارت همه‌جانبه همراه با عشق و علاقه آقای عباسعلی بردبار داشت. ایشان در سال ۱۳۹۴ پس از چهار دهه خدمت صادقانه گنجینه اشیاء تخت جمشید را به امین اموال جدید، تحویل داد.

اما به چند دهه پیش برمی‌گردیم؛ زمانی که مقدمات کار برای انجام جشن‌های ۲۵۰۰ ساله آماده می‌شد. ظاهراً ضروری بوده که برای انجام جشن‌ها تغییراتی در فضای موزه و شکل ویت‌رین‌ها انجام شود. شاید برای اینکه فضای موزه گنجایش نفرات و بازدیدکنندگان بیشتری را داشته باشد به همین دلیل اشیاء تاریخی موزه تخت جمشید با استفاده از گاری دستی به اتاقی در جنوب تخت گاه (انبار فعلی تخت جمشید) منتقل می‌شود. فرانسوی‌ها قبل از جشن، ویت‌رین‌های موزه را طراحی و پس از ساخت، در موزه نصب می‌کنند. گنجایش ویت‌رین‌ها نسبت به قبل بسیار کمتر بوده بنابراین فقط تعداد کمی از اشیاء که نسبت به بقیه سالم‌تر بودند درون ویت‌رین‌ها قرار می‌گرفتند. با این اقدام نمایش آثار بسیار بهتر می‌شد اما تعداد زیادی از آثار از موزه خارج و برای مدت‌ها در شرایط غیر مطلوب و در معرض عوامل



بی شک موزه‌ها از مهم‌ترین ارکان فرهنگی و توسعه کشور محسوب می‌شوند. علاوه بر جنبه‌های اقتصادی موزه‌ها هویت بخشی ملی و تاریخی از جمله موارد با اهمیت نقش موزه‌ها محسوب می‌شود. مجموعه‌های موزه‌ای نه تنها گنجینه ملی یک کشور بلکه جزئی از اسناد جهانی فرهنگ و تمدن انسانی به شمار می‌روند.

گزارش یک دیدار آخرین شماره از فصلنامه خبری تخت جمشید و پاسارگاد در سال ۱۳۹۹ اختصاص دارد به آقای عباسعلی بردبار، موزه‌دار و امین اموال سابق تخت جمشید



وضعیت آثار قبل از ساماندهی سال ۱۳۷۲



وضعیت آثار قبل از ساماندهی سال ۱۳۷۲

عباسعلی بردبار در سال ۱۳۵۴ به عنوان نگهبان در تخت جمشید مشغول به کار شد. وی در سال ۱۳۵۸ به عنوان موزه‌دار و امین اموال در موزه تخت جمشید فعالیت خود را آغاز نمود. ایشان هم‌زمان با کار و فعالیت در تخت جمشید تحصیلات خود را در مقطع دبیرستان به صورت شبانه به اتمام رسانید و در سال ۱۳۷۱ هم‌زمان با فعالیت در تخت جمشید در مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی در رشته موزه‌داری در مقطع کاردانی مشغول به تحصیل شد. بردبار پس از چند دهه خدمت صادقانه به میراث فرهنگی و تخت جمشید در سال ۱۳۸۳ بازنشسته شد. عباسعلی بردبار در طول چهل سال فعالیت صادقانه در تخت جمشید خدمات شایسته‌ای به موزه و گنجینه تخت جمشید نمود و همواره با پژوهشگران و دانشجویان همکاری صمیمانه داشت. ایشان چندین سال پس از بازنشستگی و عدم معرفی جایگزین، همچنان مسئولیت گنجینه تخت جمشید را عهده‌دار بود.

در سال ۱۳۹۴ که بنده (شهرام رهبر) مدیریت اجرایی مجموعه را بر عهده داشتم یکی از همکاران گروه حفاظت و مرمت به نام محمدرضا رفیعی از طریق سازمان میراث فرهنگی وقت به‌عنوان امین اموال معرفی شد. پس از حدود ۲ ماه کار مداوم، فهرست اشیاء برای تحویل و تحول



قبل از ساماندهی آثار سنگی - راهرو جلو سایت و داخل تاقی های هدیش قبل از سال ۱۳۷۲



قبل از ساماندهی آثار سفالی - گالری موزه جبهه شرقی قبل از سال ۱۳۷۲



انقلاب به همراه آقای اثنی عشری از ایران رفتند. متأسفانه با توجه به خروج یکباره آقای اثنی عشری تحویل و تحولی در اشیاء درون موزه صورت نگرفت. اینکه پیش از آن چه اتفاقاتی برای اشیاء اتفاق افتاد بنده بی اطلاع. مدتی تخت جمشید بی سرپرست بود و فقط هر از گاهی مجموعه توسط روحانیون مرودشت سرکشی می شد. پس از مدتی میراث فرهنگی فارس یکی از کارمندان خود به نام آقای هوشنگ رسولی را به عنوان مدیر و سرپرست تخت جمشید منصوب و به تخت جمشید اعزام کرد. از اقدامات و طرز رفتار آقای رسولی مشخص بود ایشان مایل است تخت جمشید و اشیاء آن حفظ شود. من در آن زمان نگهبان بودم و از طریق کلاس های شبانه دیپلم گرفته بودم. از طرفی جوان و عاشق کار و نماینده انتخابی کارگران و نگهبانان بودم. به همین دلیل با پیشنهاد آقای رسولی به مدت یک هفته در موزه ملی دوره آشنایی و نحوه کار با اشیاء را به صورت ابتدایی آموختم. پس از گذراندن این دوره در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۲۵ به عنوان موزه دار و امین اموال موزه تخت جمشید منصوب و مشغول کار شدم.

من در بین سردرگمی های ادارات در پس از انقلاب کمر همت بستم و برای سر و سامان دادن به اشیاء تلاش زیادی نمودم.

آقای بردبار نقل می کند: ابتدا با کمک و همراهی چند

آسیب رسان قرار می گرفت. مدتی پس از برگزاری جشن، اشیاء دوباره به اتاقی که با تخته و لوله داربست، قفسه بندی شده بود، منتقل می شوند. قفسه های این اتاق به صورت سه طبق لوله بندی و طبقات با الوار پوشانده شده بودند (این اتاق قبلاً دفتر موزه بوده و به عنوان ورودی موزه تخت جمشید به راهرو نمایشگاه پشت موزه وصل است).

آقای بردبار در خصوص حفاظت از آثار درون موزه و گنجینه تخت جمشید می گوید:

۶ ماه بعد از جشن های ۲۵۰۰ ساله من به همراه تعدادی دیگر با مدرک ششم ابتدایی به عنوان نگهبان استخدام شدیم. فردی به نام آقای علاءالدین اثنی عشری رسماً موزه دار بود، اما به دلیل مشغله زیاد از جمله حضور در جایگاه معاونت، کمتر در موزه حضور داشت. مسئولیت های مختلف باعث شده بود ایشان بیشتر در دفتر تخت جمشید حضور داشته و مشغول امورات دفتری باشد. در آن زمان اشیاء درون انبار و کلید آن در دفتر و یا نزد آقای اثنی عشری بود. همین منوال تا زمان انقلاب ادامه داشت. به هنگام انقلاب اداره ها وضعیت بسیار بی سر و سامانی داشتند. آقای دکتر علیرضا شاپور شهبازی که به عنوان مسئول و محقق چند سالی بود که مسئولیت بنیاد تحقیقات هخامنشی را بر عهده داشتند، مدتی پس از



ساماندهی و طبقه بندی آثار در گنجینه موزه



تهیه شناسنامه برای تمامی آثار موجود در گنجینه و موزه

بود که معلوم بود چندین نفر در آن فهرست نوشته‌اند. یکی از مشکلات عمده این بود که اصلاً اشیای موجود با آن دفتر مطابقت نداشت. اختلافات تا جایی بود که حتی اندازه و دیگر مشخصات اشیاء موجود با دفتر همخوانی نداشت. مثلاً شیء ای که شماره ۲۰۰ روی آن نوشته بودند سفال بود اما در دفتر اموال، بعنوان سنگ ثبت شده بود! برای سر و سامان دادن به این وضعیت نامطلوب ده‌ها نامه و درخواست به تمام ادارات و مسئولین رده‌بالای میراث فرهنگی نوشتم اما متأسفانه نتیجه قابل قبولی حاصل نشد. علی‌رغم تلاش‌های بسیار زیاد و عدم نتیجه مطلوب ناامید نشدم. در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۲ طی نامه‌ای از سرپرست تخت جمشید درخواست نمودم که موافقت نماید، خودم شخصاً به اداره دارائی رفته و از آن‌ها کمک بگیرم. خوشبختانه مدیریت تخت جمشید موافقت نمود و کار را ادامه دادم. شخصاً به اداره دارائی شیراز رفتم و مدیرکل وقت دارائی را از وضعیت نابسامان موجود آگاه نمودم. ایشان قول همکاری دادند و گفتند حتماً بازرس می‌فرستند. پس از چند روز آقای خواجه آزاد بازرس اداره دارائی به تخت جمشید آمد و از نزدیک نابسامانی اشیاء و دفتر ثبت اشیاء را دید. ایشان از وضعیت موجود گزارشی تهیه نمود و قرار شد ترتیب یک جلسه را با مدیرکل بدهند و در خصوص اقدامات لازم برنامه‌ریزی شود. در تاریخ ۱۳۷۰/۱۱/۲۸ آقای رسولی مدیرکل میراث فرهنگی فارس شده بود. یک نامه دو صفحه‌ای به همراه یک گزارش که شامل مدارک مستند ۹۴ صفحه‌ای بود به ایشان تحویل دادم. بالاخره با تلاش و کوشش و

نفر از کارکنان به‌خصوص آقای اسلامی تبار که انباردار بود حیاط خلوت پشت موزه را با همکاری دفتر فنی، با لوله بندی و پوشش شیروانی آماده کردیم. آهسته آهسته و با احتیاط زیاد اشیاء را به مخزن جدید انتقال دادیم و شروع به بررسی و فهرست برداری از اشیائی نمودیم که مثل خرمن روی هم ریخته بود و در شروع بسیار مشکل و غیر ممکن به نظر می‌آمد. مسئولین را آگاه کردم که با توجه به شرایط موجود نمی‌توان کار درستی انجام داد. در آن زمان جنگ شروع شده بود، بمباران‌های هوایی ادامه داشت و مسئولین سرگرم این مشکل بسیار بزرگ بودند. در این شرایط من بی‌کار ننشستم و شروع کردم به نامه‌نگاری و مطلع ساختن مسئولین بالاتر و بارها از مقامات بالا درخواست بازرس و کارشناسی نمودم. در تاریخ ۱۳۶۴/۱۱/۲۳ دو نفر از بازرسان و کارشناسان به نام‌های طالبی صومعه سرایی و زینال کرامتی از موزه بازدید نمودند و یک گزارش مقدماتی تحویل دادند. دوباره در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۹ طی نامه‌ای از سرپرست تخت جمشید جهت برطرف نمودن و رفع مشکلات، تقاضای کارشناس و بازرس نمودم. در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۹ سرپرست وقت تخت جمشید پیرو نامه‌ها و درخواست‌های قبلی نامه‌ای به اداره ارشاد نوشت و در آن مشکلات کلی موزه را اعلام نمود. پس از اینکه نتایج مکاتبات مطلوب نبود به این نتیجه رسیدم که باید شخصاً مشکلات موجود را به سمع و نظر مدیرکل میراث فرهنگی و دیگر صاحب‌نظران برسانم. در نامه‌های بعدی از آن‌ها دعوت نمودم تا وضعیت نابسامان اشیاء را از نزدیک مشاهده نمایند. دفتری کهنه و مخدوش در اتاق



ساماندهی و طبقه بندی آثار بر اساس شکل و جنس درون گنجینه در زمانی که آقای عباسعلی بردبار مسئولیت گنجینه را به عهده داشت.



آقای عباسعلی بردبار در کنار همکاران قدیمی-ایستاده از چپ نفر دوم



موسسه آموزش عالی سال ۱۳۷۲

برابر باشند. مقرر شد فهرست جدید به‌عنوان اطلاعات نهایی اشیاء محسوب شود. در این مرحله تعداد ۱۷۸۴ قلم از اشیاء موزه‌ای کارشناسی ابتدایی شد. این اشیاء روزانه به بیرون گنجینه منتقل و در معرض آفتاب عکسبرداری می‌شد. اطلاعات مربوط به هر شیء در دفتر جدید که به امضاء اداره دارائی رسیده بود ثبت می‌شد. خانم دکتر ثقه الاسلام و سرکار خانم لیلی نیاکان دوباره به موزه تخت جمشید آمدند و بقیه کارهای شناسایی اشیاء صورت گرفت. ثمره این‌همه تلاش و کوشش این شد که تمام اشیاء تاریخی و ارزشمند موزه تخت جمشید اعم از اشیاء موزه‌ای و مطالعاتی، عکسبرداری، ثبت و سنددار شوند. پس از ثبت اشیاء فرم‌های تهیه شده به تهران و میراث فرهنگی فارس و اداره دارائی فارس ارسال شد. من در اینجا با اطمینان کامل اعلام می‌کنم که علیرغم همه مشکلات موجود به هنگام بازنشستگی اینجانب، موزه تخت جمشید و اشیاء موجود در آن از حفاظت مناسب و مطابق با دستورالعمل‌ها و آئین‌نامه‌های مربوطه بهره‌مند بوده است. در بازدیدی نیز که مسئول موزه بریتانیا در آن زمان از گنجینه داشتند این ادعا ثابت شد و ایشان اذعان داشتند که موزه تخت جمشید یکی از بهترین موزه‌هایی است که ما تاکنون در ایران دیده‌ایم.

تهیه گزارش: شهرام رهبر- مهرناز بردبار

نامه‌نگاری‌های بسیار، میراث فرهنگی تهران کارشناس و بازرس دیگری به نام آقای دکتر مهدی رهبر را به موزه تخت جمشید اعزام نمود. آقای مهدی رهبر پس از چند روز بازدید کامل، گزارشی از وضعیت نابسامان موجود تهیه و به مسئولان ارائه کرد. علی‌رغم این تلاش متأسفانه هیچ کار عملی و سازنده‌ای صورت نگرفت. در تاریخ ۱۳۷۲/۱۲/۵ کارشناس میراث فرهنگی تهران سرکار خانم دکتر ترکاندخت ثقه‌الاسلام (متأسفانه ایشان چند سال قبل در اثر سانحه تصادف از دنیا رفتند)، به موزه تخت جمشید آمدند اما پس از چند روز کار، متأسفانه با ماشین تصادف کرد و به تهران بازگشت.

علی‌رغم همه این تلاش‌ها، وضعیت تغییر چندانی نکرد، اما بنده دست از تلاش برنداشتم و پس از مدتی موفق شدم با کمک اداره دارائی استان فارس دو نفر بازرس با اختیار کامل به نام آقایان نصرالله ناصری و سید محمد طاهری را به تخت جمشید دعوت نمایم. این دو بازرس در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۶ بازدید مفصلی از اشیاء نمودند. در پی این بازدید تصمیم گرفته شد جلسه‌ای در شیراز با حضور بازرسین اعزامی، معاون اداره دارائی فارس، مدیرکل میراث فرهنگی فارس، بازرس اداره اموال استان، معاون اداری و مالی فارس، سرپرست اداره میراث فرهنگی مرودشت، ذیحساب اداره میراث فرهنگی فارس و اینجانب عباسعلی بردبار تشکیل شود. در این جلسه تأکید شد که بنده با کمک بازرس اداره میراث فارس آنچه را که وجود دارد و دیده می‌شود در فهرست جدید وارد نمایم و لازم نیست اطلاعات جدید با دفتر قدیمی که دارای نواقص بسیار بود



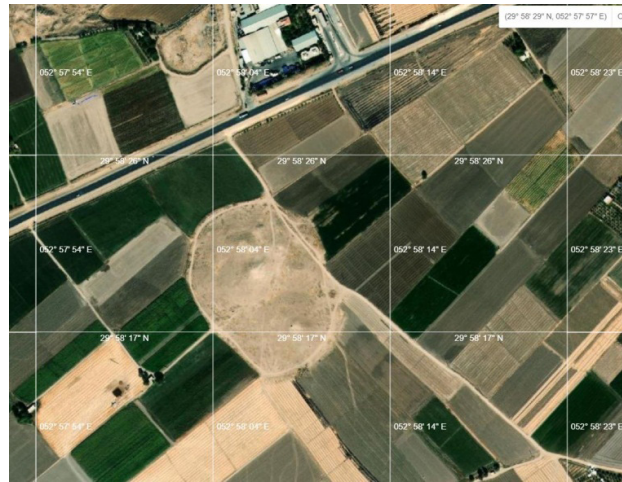
ساماندهی اشیای به دست آمده از تخت جمشید داخل گنجینه فعلی هنگام ساماندهی و ثبت بعد از سال ۱۳۷۲

در فصل دوم بررسی در فارس از ۲۳ مه تا ۳ اگوست ۱۹۵۲، واندنبرگ به مدت شش روز در تل قلعه ماند. او به مطالعه یکی از تپه های کم ارتفاع (تپه ۴) پرداخت و یک ترانشه ۳/۵×۸/۵ متری را ایجاد و تا عمق ۳ متر حفاری کرد (واندنبرگ ۵۴-۱۹۵۳: ۳۹۵ و ۴۰۳) که بر اساس آن یافته های خود را در دو عمق ویژه شرح می دهد.

گمانه زنی سال ۱۹۵۵

طی بررسی سوم او در فارس از ۲۶ دسامبر ۱۹۵۴ تا ۲۱ ژانویه ۱۹۵۵، واندنبرگ به تل قلعه بازگشت و از ۱۶ تا ۱۹ ژانویه در آن جا کار کرد. او در یکی از تپه های کوچک تر گمانه ای ایجاد کرد؛ به طور شاخص بر روی تپه ای که در (سمت شمال شرق) قرار داشت (تپه ۳) و بر اساس این گمانه زنی چهار لایه را تشخیص داد.

بعد از واندنبرگ، ویلیام سامنر در سال ۱۹۷۰ از این محوطه نمونه برداری کرد. سامنر این محوطه را با شماره ۶۲۹ و موقعیت مکانی ۹KI، PI ثبت کرد و ظروف قلعه، ظروف قرمز کفتری، ظروف با گاهنگاری مشخص نشده، ظروف شغا و ظروف متاخردشت در آن را معرفی کرد. بعدها توسط لیندا جاکوبز چندین هزار قطعه سفال سطحی، به علاوه اشیاء دیگری شامل سنگ های آسیاب، ابزار آلات سنگی و یک صدف حکاکی شده را جمع آوری کرد (جاکوبز ۱۹۸۰: ۱۴۳، ۱۴۷). لیندا جاکوبز که در سال ۱۹۷۶ این محوطه را بررسی کرده بود، آن را به صورت یک تپه ی چند قلعه ای توصیف می کند که ۱۳ متر بلندتر از سطح کنونی دشت قرار گرفته و محوطه ای به گستره ی ۵ هکتار را می پوشاند. اگرچه محوطه اطراف تپه مورد زراعت قرار گرفته اما خود تل به دلیل تندی شیب هایش با گیاهان خاردار و علف های هرز



تصویر ماهواره ای تل قلعه

بررسی روشمند تل قلعه مرودشت

فضل اله حبیبی، یونس زارع، علی آقراء، ابوذر توکل، وحید یونسی، مهسا طاهری

محوطه باستانی تل قلعه در ۵ کیلومتری شرق شهر استخر و نزدیک روستای حسن آباد سنجرلو از اراضی بخش سیدان شهرستان مرودشت و در جنوب رودخانه سیوند قرار دارد. تل قلعه در سال ۱۳۵۵ به شماره ۱۲۶۴ به ثبت آثار ملی کشور رسیده است.

اولین بار در پژوهش های باستان شناسی لویی واندنبرگ دشت مرودشت و یا حوزه رودخانه گر مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت؛ او طی سه فصل از سالهای ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ میلادی بررسیهایی را در دشت مرودشت به انجام رساند که ناشی از یک برنامه گسترده و جامع برای طبقه بندی سبکهای سفالی و پیریزی چارچوب گاهنگاری منطقه فارس بود (Vanden Berge ۱۹۵۲: ۲۱۲، ۱۹۵۴: ۳۹۴، ۱۹۵۹: ۴۱). واندنبرگ در پایان فصل دوم حدود ۵۷ محوطه پیش از تاریخی و هخامنشی را یافته بود که سابقاً شناسایی نشده بود. همچنین گمانه هایی را دست کم در ۲۵ تپه باستانی ایجاد نمود که نتیجه و دستاورد آن ایجاد توالی فرهنگی فارس با اصطلاحات جالب توجه بود که چارچوب گاهنگاری فارس را شکل داده است.

واندنبرگ در تل قلعه دوبار گمانه زنی کرد. یک بار در سال ۱۹۵۲ و بار دیگر در سال ۱۹۵۵. آن ها بخشی از پروژه میدانی گسترده و پیشگام او جهت پایه گذاری توالی پیش از تاریخ دشت ها در منطقه تخت جمشید در استان فارس بودند. واندنبرگ با ایجاد مجموعه ای از گمانه ها بر تپه های اصلی و انجام بررسی های گسترده و جمع آوری سفال های سطحی، نخستین ساختار گاهنگاری منطقه را به وجود آورد. انباشته های مختلف سفالی به عنوان نماینده (فرهنگ ها) شمرده می شدند، فرهنگ هایی که بر اساس نخستین یا اصلی ترین محوطه ای که در آن جا به آن برخورد کردند، نام گذاری شدند. تل قلعه برای واندنبرگ نمونه ی محوطه برای (سفال دوره قلعه) (هزاره دوم پیش از میلاد) است (Haerincx ۲۰۰۳: ۱۹۳).



بر اساس اهداف تعریف شده در مرحله اول پروژه سعی شد تا با مناسبترین و دقیقترین روش ممکن بیشترین اطلاعات از وضعیت فعلی محوطه جمع آوری شود. به دلیل دقت و سرعت بالا، کیفیت بالای نقشه، محاسبه حجم در نقشه برداری هوایی و تنوع خروجی مانند عکسهای قائم (Orthophoto) با قدرت تفکیک مکانی بالا و مدل سه بعدی دقیق، از روش نقشه برداری فتوگرامتری با پهپاد برای برداشت دقیق محوطه استفاده شده است.

در مرحله اول و مقدماتی این پروژه با استفاده از پهپاد Phantom ۴ Pro V2 نقشه محوطه تل قلعه و محدوده آن به وسعت ۱۶۰ هکتار اعم از تپه های قلعه و زمین های کشاورزی اطراف تپه و حاشیه رودخانه سیوند با استفاده از تعداد زیاد تصویر هوایی، تهیه گردید. جهت تهیه این نقشه قبل از پرواز پهپاد، نقاط کنترل در سطح محوطه ایجاد و مختصات دقیق آنها توسط جی پی اس چند فرکانسه برداشت شد. پس از آن برنامه ریزی اولیه پرواز جهت نقشه برداری تعریف شد و دستورالعمل های اجرایی جهت تنظیم دوربین و انطباق آن با شرایط محیطی بر روی صفحه کنترل کننده پرواز پهپاد بارگذاری شد. با تهیه نقشه های توپوگرافی مشخص گردید این محوطه امروزه مساحتی ۴ هکتاری را دربرمی گیرد که متشکل از ۵ تپه کوچکتر است که در فاصله ۵۰ متری جنوب رودخانه سیوند شکل گرفته، و ارتفاع آن از سطح زمینهای اطراف خود ۹ متر است.

بعد از اتمام نقشه برداری با استفاده از جی پی اس دو فرکانسه کل محدوده ۴ هکتاری تپه قلعه جهت بررسی روشمند فشرده (Intensive Survey Systematic) شبکه بندی شد. هیئت سعی کرد تا با انجام یک بررسی روشمند و فشرده و جمع آوری مواد سطحی به روش کنترل شده در شبکه های ایجاد شده داده های لازم جهت پاسخ به پرسشهای محوری این پروژه را جمع آوری کند. با این روش، شبکه های منظم ۲۰ در ۲۰ متر در جهت شمالی-جنوبی ایجاد شد. کل شبکه ها با الفبای لاتین در ردیف های عمودی و شماره در ردیف های افقی نامگذاری شدند. بر این اساس، اولین شبکه نمونه برداری شده مربع A1 و آخرین مربع ۰۱۴ می باشد. در پایان ۲۱۰ مربع، نخ کشی شد. نمونه برداری به این صورت بود که در هر شبکه در بخش جنوب شرقی آن به دلیل کمبود وقت و کاهش هزینه ها یک مربع ۵ در ۵ متر ایجاد شد و یافته های آن آمارگیری گردید و در بخش های هر مربع نمونه سفال های هزاره چهارم با توجه به اهداف این پروژه نمونه برداری و سفال های شاخص دوره های دیگر به جهت شناخت گاهنگاری محوطه برداشت گردید.

در این بررسی با ایجاد ۲۱۰ شبکه مربعی بر روی محوطه، ۲۱۹۰ یافته شاخص مورد ثبت و ضبط و مطالعه قرار گرفت. با پایان بررسی، یافته های سفالی نشانگر اینست که قدمت این محوطه به هشت هزار سال برمی گردد. یافته هایی مربوط به فرهنگ های نوسنگی (موشکی، بشی)، مس سنگی و آغاز عیلامی (باکون، لپویی، بانش) و عیلامی (کفتی، قلعه، شفا-تیموران)، عصر آهن ۲ و ۳،

به صورت دست نخورده باقی مانده است (جاکوبز ۱۹۸۰: ۱۴۱). سامنر وسعت محوطه را حدود ۴/۵ هکتار تخمین زده است. هم سامنر و هم جاکوبز به این نتیجه رسیدند که این محوطه از هزاره ششم (فازهای باکون و لپویی) تا دوره اسلامی مورد استقرار بوده است.

در سالهای بعد از انقلاب، در سال ۱۳۷۴ شمسی، عباس علیزاده به بررسی های گسترده ای در دره های مختلف فارس مبادرت ورزید که در نتیجه آن استقرارهای دیگری از این دوره نیز شناسایی شد (علیزاده، ۱۳۸۳؛ زیدی، ۱۳۸۷) (Alizadeh, ۲۰۰۶) و طی این بررسی دکتر علیزاده از تل قلعه نیز بازدید نمود. اما بررسی روشمند باستان شناسی تل قلعه با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی کشور در زمستان سال ۱۳۹۹ و به مدت ۴۵ روز توسط پایگاه میراث جهانی تخت جمشید و به سرپرستی آقای فضل اله حبیبی آغاز شد. اهداف این برنامه پژوهشی، انجام مستندنگاری و شناسایی دقیق ویژگی های فیزیکی و ساختاری محوطه، بازنگری دوره های استقرار محوطه، چگونگی پراکندگی و تراکم مواد فرهنگی دوره های مختلف در سطح محوطه و همچنین پیشنهاد برنامه تعیین عرصه و حریم محوطه است.

بر این اساس در این کار میدانی از داده های سنجش از راه دور (تصاویر ماهواره ای و هوایی) و استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، مستندنگاری محوطه و بررسی گستره و ارزیابی روند شکل گیری و فرسایش و تخریب ها در محوطه استفاده می شود.

در شروع پروژه با استفاده از دستگاه جی پی اس دو فرکانسه (سیستم موقعیت جهانی/GPS) ایجاد شبکه مربعی جهت بررسی سیتوماتیک و نمونه برداری یافته ها انجام گرفت و همچنین با ایجاد دیتابیس از نمونه ها، تجزیه و تحلیل های آماری در مورد محوطه انجام شد.



نمونه سفال های بدست آمده از تل قلعه از گمانه زنی واندنبرگ (Harrnck and Overlat: ۲۰۰۳)



تصویر هوایی از محوطه تل قلعه

منابع

زیدی، محسن، ۱۳۸۶. الگوی استقرار و نوسانهای جمعیتی فرهنگهای پیش از تاریخ تا دوران اسلامی در دره های حوضه رود کر، شمال غرب فارس، مجله باستان شناسی و تاریخ، شماره ۵، ص ۲-۳۱.
علیزاده، عباس، ۱۳۸۳. گزارش توصیفی مقدماتی بررسی های باستان شناسی-انسان شناسی در دره های رود کر و ناحیه شمال غربی مرودشت فارس-عباس علیزاده/گزارش های باستان شناسی (۱)، ص ۳۳.

- Jacobs, L. K., (1980). "Darvazeh Tepe and the Iranian highlands in the second millennium B.C". Ph.D. dissertation, University of Oregon, Eugene, OR.
- Haerincq, E. & Overlaet, B., (2003). "Soundings at Tall-i Qaleh (Hasanabad), Fars Province, Iran". In: Yeki bud, yeki nabud. essays on the archaeology of Iran in honor of William M. Sumner (eds. N. F. Miller and K. Abdi), 192-200, Cotsen Institute of Archaeology at UCLA, Los Angeles, CA.
- Sumner, W. M., (1972). "Cultural development in the Kur River Basin. Iran". An archaeological analysis of settlement patterns, University Microfilms International, Ann Arbor, MI.
- Vanden Berghe, L., (1951-2). "Archeologische opzoekingen in de Marv Dasht vlakke (Iran)". Jaarbericht Ex Oriente Lux, No. 12, Pp: 211-20.
- Vanden Berghe, L., (1953-4). "Archeologische navorsingen in de omstreken van Persepolis". Jaarbericht Ex Oriente Lux, No. 13, Pp: 394-408.
- Vanden Berghe, L., (1954). "Archeologische Navorsingen in De Omstreken Van Persepolis". Jaarbericht Ex Oriente Lux, No. 13, Pp: 394-408.
- Vanden Berghe, L. 1952. Archaeologische Opzoekingen in De Marv Dasht Vlakke (Iran). Jaarbericht Ex Oriente Luxe 12: 211-220.

هخامنشی، ساسانی و اسلامی در تل قلعه شناسایی گردید. یافته های عصر آهن شناسایی شده در این محوطه باتوجه به نزدیکی این محوطه به شهر باستانی استخر و شهر هخامنشی پارسه در ارتباط با ورود اقوام پارسی به منطقه فارس بسیار حائز اهمیت است. مطالعات اولیه نشان می دهد که محوطه باستانی تل قلعه، تا به امروز تنها محوطه در حوضه رودخانه کر است که توالی استقرار از دوره های مختلف پیش از تاریخ، تاریخی و اسلامی را در بر گرفته است و می توان در آینده با کاوش های باستان شناسی و کمک علوم میان رشته ای در این محوطه تغییرات فرهنگی دشت مرودشت را از دوره نوسنگی تا اسلامی مورد مطالعه قرار داد.

بر اساس بررسی انجام گرفته اوج گستره استقرار تل قلعه مربوط به دوره عیلام قدیم (کفتری) است که در این بازه زمانی از بزرگترین استقرارهای شرق دشت مرودشت بوده است. در بین یافته های بدست آمده از تل قلعه شواهدی از فعالیت های صنعتی بخصوص تولید سفال و فلزگری از دوره نوسنگی، باکون و عیلام شناسایی شد. همچنین در طی این بررسی در راستای حفاظت بیشتر از این محوطه تابلوی معرفی محوطه تهیه و نصب گردید.



نمونه برداری یافته ها در تل قلعه

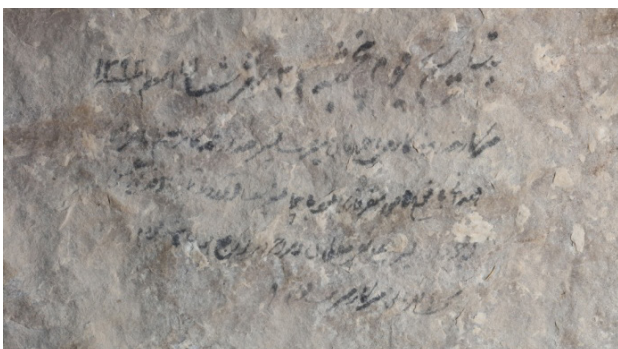
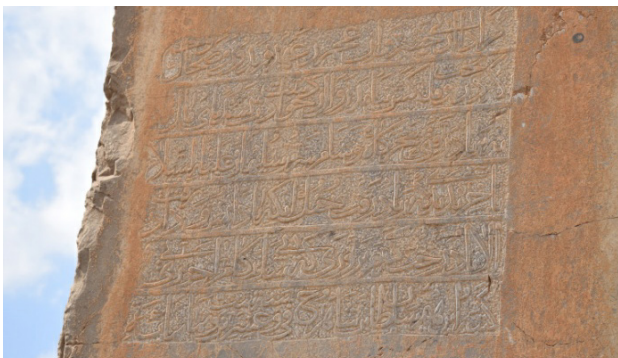


کاف مثل کتیبه

مجتبی دورودی

دومین گروه نوشتاری به ساسانیان تعلق دارد که به فارسی میانه (پهلوی ساسانی)، پارسی (پهلوی اشکانی) و یونانی است. نیشته‌های فارسی میانه که زیر نفوذ سنت ساسانی هستند خود با دو تحریر مشاهده می‌شوند؛ یعنی فارسی میانه کتیبه‌ای که به شاهان ساسانی و بعضی از رجال مشهور آن روزگار تعلق دارد و دیگر فارسی میانه کتابی که اغلب در بردارنده‌ی متن‌های یادبودی و گورنیشته هستند. پس از روزگار ساسانی نیز فرمانروایان و رجال نامدار آثار مکتوبی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که بدون تردید "امیر عضدالدوله دیلمی" یکی از نامدارترین آنان است. همچنین

در تابستان ۱۳۹۹ همزمان با فعالیت مرکز پژوهش‌های کتیبه‌شناسی تخت جمشید، آثار نوشتاری گسترده‌ای مشاهده گردید که بدون تردید فصل تازه‌ای را در حوزه مطالعات نوشتاری و تاریخی دشت مرودشت می‌گشاید. این آثار که هم‌اکنون توسط پژوهشگران در حال بررسی هستند؛ گستره‌ی زمانی از روزگار هخامنشی تا عهد قاجار را در برمی‌گیرد. در این روند علاوه بر بازخوانی و بررسی آنچه که تاکنون شناخته شده است؛ داده‌های نوشتاری جدیدی مورد بررسی قرار خواهند گرفت که از چند منظر حائز اهمیت هستند: نخست آنکه تطور خط و زبان فارسی از عهد باستان تا دوران نو را به نمایش می‌نهند؛ دو دیگر سبک و سیاق ادبی و زبانی به‌کار برده شده در این متون است که با در نظر گرفتن ادوار تاریخی که نوشته بدان تعلق دارد بسیار جالب و قابل تأمل است. سوم اینکه این محوطه‌های باستانی علاوه بر روزگار هخامنشی و ساسانی از دیرباز مورد توجه رجال و مامداران تاریخی ایران قرار گرفته‌اند و در پس نوشتارهای موجود می‌توان جریان‌های تاریخی ادوار گوناگون تا روزگار قاجار را در پهنه‌ی استان فارس به بررسی نشست. همچنین در این میان بخشی از نیشته‌ها، یادبودنگاشت‌های مستشرقین هستند که از محوطه‌های باستانی ایران بازدید کرده‌اند و تاکنون ذکری از آنها نرفته است. نخستین گزارش که به زودی توسط پایگاه میراث جهانی تخت جمشید منتشر می‌گردد، در بردارنده‌ی ۱۵ نوشته‌ی تاریخی است که به مجموعه‌ی یافته‌های پیشین افزوده می‌گردند و حاوی اطلاعات جدیدی از این دست خواهد بود. از سوی دیگر نوشته‌های جدیدی نیز در این راستا به دست آمده‌اند که به فرهنگ و سنت ساسانی تعلق دارند و گزارش‌های مربوط بدانها در آینده نزدیک منتشر می‌گردد. اکنون بایسته است گزارش حاضر را با ذکر پیشینه‌ای از نیشته‌هایی که تاکنون در دشت مرودشت از سوی پژوهشگران به مطالعه و بررسی نهاده شده است مزین کنیم: علاوه بر الواح به‌دست آمده از سرزمین انزن باستانی (امروزه در دشت بیضاء) که با خط و زبان عیلامی و به روزگار پیش از هخامنشی بازمی‌گردد؛ می‌توان به گروه نوشتاری اشاره داشت که به هخامنشیان تعلق دارند و در بردارنده‌ی آثار مکتوب به زبانهای فارسی باستان، بابلی هخامنشی و عیلامی هخامنشی (و در چند مورد مصری باستان) است. همچنین از آنان الواحی نیز به زبانهای آرامی، بابلی متأخر، یونانی و فریگیه‌ای برجای مانده است.^۱



مستشرقین و جهانگردان نیز نیشته‌های یادبودی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که امروزه جنبه‌ی تاریخی یافته‌اند و برخی از آنها پیش‌تر توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پژوهش‌های اخیر نیز در بردارنده‌ی گروه گسترده‌ای از آثار مکتوب است که دروازه‌های جدیدی را بر پژوهشگران می‌گشاید.

بدون تردید دشت مرودشت هنوز تمامی اسرار خود را بر ما آشکار نکرده است و ناگفته‌ها و نایافته‌های فراوانی را در دل خود جای داده است که امید است با پژوهش‌های آکادمیک جدید بتوان بر قسمت‌های دیگری از آن دست یافت.

۱- تمامی عکسهای استفاده شده در این گفتار به جناب محمدعلی مصلی‌نژاد تعلق دارد.

اولنس "عضو انجمن جغرافیایی سلطنتی در لندن شد و کارهای او از طریق رادیو و تلویزیون پخش شد. او که هدف خود را (فیلمبرداری از زندگی در عمل) عنوان می کرد بصورت هر ساله در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به ایران سفر و اغلب به تنهایی در مناطق دور افتاده فعالیت هنری می کرد و بی سر و صدا مشهور شد. وی پس از بازنشستگی "گذارها" کار خود را ادامه داد، "آندره گذار" در سال ۱۹۶۰ بازنشسته شد و کار اصلی خود را به "یدا گذار" و "بارونز اولنس" تقدیم کرد، این نشان از دوستی عمیق و پایدار آنها بود.



تصویری از بارونز ماریه ترسه اولنس دی شوتن در دشت پاسارگاد،
منبع: <https://archnet.org>

دو فیلم بعدی "بارونز اولنس" بنا بر درخواست دیگران ساخته شد: در سال ۱۹۶۱، موسسه پاستور از او درخواست کرد که از تلاش های خود در برابر طاعون در روستای دور افتاده "آکینلو" در استان کردستان فیلمبرداری کند و در سال ۱۹۶۲ او "سر ماکس مالوان" (Sir Max Mallowan) را ملزم به درخواست فیلمبرداری از کارهای باستان شناسی بریتانیایی برای مطالعات فارسی در پاسارگاد کرد.

بارونز در سال ۱۹۷۷ برای آخرین بار به ایران سفر کرد و در سال ۱۹۸۹ درگذشت. در سال ۱۹۹۱، همه اسناد و تصاویر، فیلم ها و صداها ضبط شده توسط وی به درخواست پسرش "کنت چارلز اولنس دی شوتن" به موزه سامی در دانشگاه هاروارد داده شد. بایگانی کامل آثار "بارونز ماریه ترسه اولنس دی شوتن" اکنون در کتابخانه هنرهای زیبا دانشگاه هاروارد و صداها ضبط شده توسط او از طریق بایگانی موسیقی جهانی در دانشگاه هاروارد در دسترس است. انتشارات بارونز اولنس شامل کتاب ها و مقالات زیر است:

- Lords of the mountains: southern Persia and the Kashkai tribe. London: Chatto & Windus, 1956.
- Iran! Éternel Iran! De la mer Caspienne au golfe Persique. Bruxelles: Elsevier, 1958.
- L'Iran des grands espaces, Baugy-sur-Clarence: Éd. des Platanes, 1978.
- 1954. "Among the Kashkai; a tribal migration in Persia." Geographical Magazine (0016-741X), v. XXVII: 68-78.
- 1971. "Education comes to Iran's nomadic tribes." Geographical Magazine (0016-741X), v. XLIII, no. 8: 548-555.
- 1963. "The Turkoman steppe." Geographical Magazine (0016-741X), v. XXXVI, no. 4: 187-204.

پاسارگاد به روایت تصاویر "بارونز ماریه ترسه اولنس دی شوتن"

فرزانه گرامی، حمید رضا کرمی

"بارونز ماریه ترسه اولنس دی شوتن" جوان ترین دختر یک زوج بلژیکی - استرالیایی بود که در سال ۱۹۲۶ با "جین اولنس" یک دیپلمات بلژیکی ازدواج کرد. این زوج در طول زندگی به خاطر حرفه خود بسیار سفر کردند، به طوری که زندگی ماهلی را با سفر به مصر شروع کردند. در سال ۱۹۳۲، به کالیفرنیا و سه سال بعد به اسلو نقل مکان کردند. در طول جنگ جهانی دوم، خانواده "اولنس" قبل از عزیمت به بروکسل مجبور شدن مدتی در برلین بمانند. پس از جنگ، آنها به هندوستان و سپس به پاکستان نقل مکان کردند. در سال ۱۹۴۸، خانواده اولنس به ایران سفر کرد و در آنجا با "آندره" و "یدا گذار" در زمان پست سابق آندره به عنوان رئیس موسسه باستان شناسی ایران آشنا شدند. با این حال، این دومین سفر "بارونز" در سال ۱۹۵۱ و به دنبال مرگ ناگهانی همسرش در سال ۱۹۵۰ بود که آغاز کار مستند او در ایران شد. او با دوربین و سه پایه و تحت حمایت دیپلماتیک، همکاری خود را با "گذارها" (که او را با مقدار زیادی فیلم رنگی مجهز کرده بودند) در تهران، اصفهان، پاسارگاد و تخت جمشید آغاز نمود. در سال ۱۹۵۳، در خلال تحولات سیاسی دوره مصدق، او برای بازدید از مناطق قشقایی به دعوت رییس قبیله به تنهایی سفر کرد و اولین شخصی بود که مجوز فیلمبرداری از این قبیله را داشت.

پس از آن او بر روی ضبط صوت و تهیه فیلم هایی از اقوام عشایر ایرانی، متمرکز شد و در کتاب "Lords of the Mountains: Southern Persia and the Kashkai tribe, 1956" تجربیات خود را از بازدید قبیله قشقایی به طور کامل شرح داد. همچنین به فیلم حاصل از اولین دیدار وی، جایزه اول مستند جشنواره فیلم ادینبرگ ۱۹۵۴ تعلق گرفت.

بیشتر فیلم ها و عکس های او در دهه ۱۹۵۰ تهیه شده است و شامل مستنداتی از ایل قشقایی و سایر قبایل و همچنین از مناظر و مکان های معماری است. "بارونز



تهیه خمیر نان توسط مردم بومی منطقه پاسارگاد در دهه چهل شمسی



کاخ دروازه - پاسارگاد، در سال ۱۳۴۱ خورشیدی - ۱۹۶۲ میلادی



آرامگاه کوروش بزرگ - پاسارگاد، ده چهل شمسی



محراب کنده کاری شده بر دیواره جنوبی آرامگاه کوروش بزرگ - پاسارگاد، در سال ۱۳۴۱ خورشیدی - ۱۹۶۲ میلادی



پوشش زنان محلی منطقه پاسارگاد در دهه چهل میلادی



چشمه معروف به چشمه خاکی در پاسارگاد و زندگی مردم محلی در دهه چهل شمسی



کعبه زرتشت - نقش رستم در دهه چهل میلادی



محققان خارجی کاوش تل تخت و تل نخودی در کاروانسرای مظفری - پاسارگاد



پوشش زنان محلی منطقه پاسارگاد در دهه چهل میلادی



آرامگاه خشایار اول، نقش رستم در دهه چهل میلادی



جواهرات حاصل از کاوش های دهه چهل خورشیدی در پاسارگاد



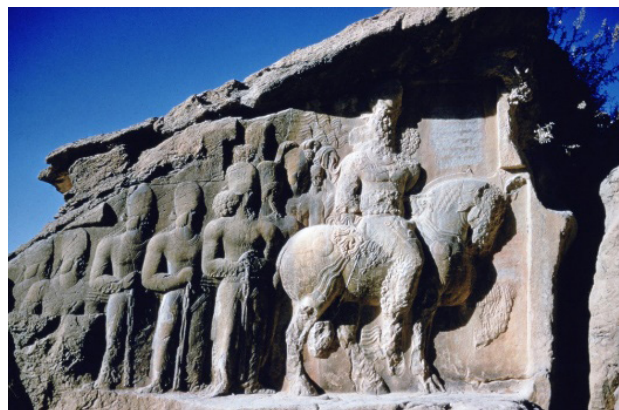
مردم بومی پاسارگاد با پوشش سنتی در کنار آرامگاه کوروش



نمایی کلی از نقش رستم در دهه چهل میلادی



کاوش تل تخت توسط دیوید استروناخ در سال ۱۹۶۲



نقش رجب در دهه چهل میلادی



کاوش تل تخت توسط دیوید استروناخ در سال ۱۹۶۲



زنان و بچه های بومی پاسارگاد با پوشش سنتی در کنار آرامگاه کوروش



تپه حضرت یعقوب مشرف به تل تخت در روستای ابوالوردی،
دهه چهل میلادی



زنان و بچه های بومی پاسارگاد با پوشش سنتی در کنار آرامگاه کوروش



تنها ستون به جای مانده در کاخ بارعام



کاوش تل تخودی در روستای مبارک آباد توسط کلرگاف مید



نقش برجسته انسان بالدار در کاخ دروازه - پاسارگاد در دهه چهل میلادی



کتیبه سه زبانه به خط میخی در کاخ بارعام



نقش برجسته درگاه جنوب شرقی کاخ بارعام قبل از مرمت



نقش برجسته درگاه جنوب شرقی کاخ بارعام بعد از مرمت



ایوان شرقی کاخ اختصاصی در دهه چهل میلادی



نمایی از کاخ بارعام در دهه چهل میلادی



نمای دیگری از کاخ بارعام در دهه چهل میلادی



دیوار حفاظتی کشیده شده اطراف کاخ بارعام توسط علی سامی در دهه سی میلادی



نمایی از محوطه مقدس در دهه چهل میلادی

منبع:

- Ullens de Schooten, Marie-Thérèse. In perspective. Penzance: United Writers, 1989.

تمامی تصاویر استفاده شده برگرفته از آرشیو کتابخانه هنرهای زیبا دانشگاه هاروارد است.

پی نوشت:

برای دریافت فیلم پاسارگاد بارونز اولنس به صفحه اینستاگرام به آدرس @pasargadae_storytelling

مراجعه فرمایید.



تصویری از آبراهه باغ شاهی پاسارگاد

یادداشتی کوتاه درباره باغ ایرانی، به بهانه ۱۵ اسفند ماه، گرامیداشت آیین روز درختکاری در ایران

سارا زارع

در زبان عربی واژه پردیس به معنای فردوس و در زبان های دیگر به پارادایز تبدیل شده است. بهشت به معنای بهترین زندگی است و این بهشت به شکل باغی سرسبز و خرم و زیبا مجسم می شده است که برای این مفهوم واژه های جنت، فردوس، بهشت یا رضوان را بکار می رود. در فارسی قدیم، واژه پالیز هم به همین معنا بوده است.

باغ های تاریخی

در نقش برجسته های تخت جمشید نقوش گیاهان مختلفی وجود دارد که بین آنها نقش درخت زیبای سرو به چشم می خورد که این خود گویای جایگاه و اهمیت عناصر طبیعی در دوران هخامنشیان می باشد.

باغ پاسارگاد نیز یکی از مهمترین باغ های اولیه است. در جریان برپایی یک پایتخت یادمانی که نشان دهنده ی اقتدار هخامنشیان بود، کوروش با بلند پروازی، یک باغ را نیز در برنامه ساختمانی خود گنجانده و این باغ در پاسارگاد به فرمان کوروش بزرگ (۵۵۹ تا ۵۳۰) طراحی و احداث شد. طرح آرامگاه کوروش در پاسارگاد نیز به گونه ای است که می توان حدس زد در پیرامون آن باغی وجود داشته است. در قسمتی از عرصه ی پاسارگاد، که آثار چهار کاخ از آن باقی مانده است، نشانه هایی از یک باغ با محوطه ای به شکل و طرح چهار باغ و کانال ها و جوی های آبیاری به دست آمده است که نشان می دهد کاخ های واقع در آن و طرح معماری آن برونگرا بوده است و در یک باغ بزرگ قرار داشته اند. بدین ترتیب چهار باغ که براساس باغ سازی ایران ایجاد می گردد، برای اولین بار در این باغ مشاهده می شود.

باغ پاسارگاد به همراه ۸ باغ ایرانی دیگر شامل: اکبریه بیرجند، فین کاشان، شاهزاده ماهان، ارم شیراز، عباس آباد بهشهر، چهلستون اصفهان، دولت آباد یزد و پهلوان پور یزد در سال ۲۰۱۱ میلادی، (۱۳۹۰ هجری شمسی) به ثبت رسیدند.

منابع:

- نصر، طاهره، ۱۳۹۴، تجلی حکمت در باغ ایرانی، شیراز، نوید.
- مسعودی، عباس، ۱۳۸۸، بازشناسی باغ ایرانی- باغ شازده، تهران، فضا.

روز درختکاری که در آستانه سال نو شمسی و در آستانه عید نوروز برگزار می شود، روزی است به منظور گرامیداشت آیین درختکاری. روز درختکاری که یادآور اهمیت های اعتقادی، مذهبی و فرهنگی درخت در تمدن های مختلف است، می تواند یک نوع بیداری عقیدتی- فرهنگی در همه ما ایجاد کند که درخت، این موجود زنده و حیات بخش، در حقیقت زندگی است و بر ماست که زندگی را پاس بداریم.

چکیده ای از باغ و باغداری در ایران قدیم

بی شک اینکه تنها علاقه به باغسازی باعث ایجاد باغ ها شده باشد، قدری آسان نگری به باغسازی است. جاذبه قوی ترکیب درخت، سایه و آب در چشم انداز غالباً خشک ایران از عوامل مهم ایجاد باغ در ایران است.

باغسازی یکی از ماندگارترین هنرهای ایرانیان است که علاوه بر جهات هنری گوناگون خود (هم چون معماری، گل آرایی و هنرهای تزئینی) بر سایر هنرها نیز تأثیر فراوان به جا گذاشته است.

باغ ایرانی از قدیمی ترین باغ های جهان به شمار می رود به طوری که از نوشته های مورخان یونانی به دست می آید، نزدیک به ۳۰۰۰ سال قبل، پیرامون خانه های بیشتر ایرانیان را باغ ها احاطه کرده بودند. شکل باغ در ایران از دیر باز تاکنون با طبیعت و میزان آب، تناسبی کامل داشته است. کارکرد باغ های ایرانی چند منظوره بوده است؛ باغ های همگانی، گاه برای گردش و سرگرمی مردم ساخته می شدند. سابقه پردیس های ایرانی به نیمه قرن چهارم میلادی برمی گردد. این عنوان به باغ هایی اطلاق می شده که برای تفریح عموم ایجاد می گردید.

واژه پردیس، ریشه سانسکریت داشته و به مفهوم بهشت است که در متون انگلیسی همان واژه سانسکریت یعنی "paradise" خوانده می شود.



نقش برجسته برم دلک: بهرام دوم در حال اهدای نیلوفر به شاپوردختک



نقش برجسته تنگ قندیل: شاپور اول ساسانی در حال تقدیم گل نیلوفر به الهه آذر اناهید

سپندارمذگان: جشن بزرگ ایران باستان

مهرناز بردبار

مهرگان. آبان روز (دهم) در آبان ماه، جشن آبانگان. آذر روز (نهم) در آذرماه جشن آذرگان (= آذر جشن). هرمزد روز (یکم) در دی ماه، جشن دیگان (خرم روز). بهمن روز (دوم) در بهمن ماه جشن بهمنگان (= بهمنجنه) سپندارمذ (روز پنجم) در سپندارمذ (= اسفند) ماه جشن سپندارمذگان. سپندارمذ یکی از هفت پاکان جاودانی است، هر یک از اینان نماینده یکی از صفتهای اهورامزدا هستند و در جهان خاکی یا مادی نگهبانی یکی از آفریدگان ایزدی با آنان است: سپندارمذ در فرهنگ و ادبیات ایرانی کارکردهای گوناگون و متفاوتی دارد ولی همه این کارکردها در راستای بالندگی اندیشگی و کمک به ایجاد جهانی سرشار از دوستی و آرامش است. به هر روی اقوام ایرانی روز پنجم اسفند را به عنوان روز باروری زن و زمین گرمی می داشتند و در این روز، مردان به پاس زحمات همسران خود هدایایی به آنان پیشکش می کردند. حتی امروزه در بخش هایی از فلات مرکزی ایران، همچون اقلید، کاشان و محلات برگزار می شود و مردم در این روز، برای باروری زنان سرزمین خود، آشی می پزند که بنام همین جشن (آش اسفندی) نامیده می شود. (مهم کار خیراندیش، محسنی و هاشمی، ۱۳۹۳).

منابع:

- پورداد، ابراهیم، (۱۳۴۳)، آناهیتا: پنجاه گفتار پورداد، به کوشش مرتضی گرجی، تهران، موسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.

- مهم کار خیراندیش، پریسا؛ محسنی، محمدرضا و هاشمی، بهزاد، "ریشه یابی فرهنگی و ادبی جشن های ایران و فرانسه"، مطالعات ادبیات تطبیقی، سال هشتم، شماره ۲۹، بهار ۱۳۹۳، ص. ۴۳-۵۷

از دیرباز زمین و زمان را نماد باروری و زاینده گی می دانستند؛ زیرا این دو تمام آفریده های هستی را در دامن خود پرورده اند. از همین رو از تعابیری همچون ((مأم میهن)) و ((سرزمین مادری)) استفاده می شود. دلیل نامگذاری واپسین ماه فصل زمستان به نام اسفند و برگزاری جشن سپندارمذ نیز که از آمادگی زمین برای زایش دوباره در فصل بهار نوید می دهد، از همین ناشی می شود.

برای اینکه دریابیم سپندارمذ در آیین ایرانیان چه پایه ای داشته و جشن وی چگونه بوده گوییم: در ایران باستان گروهی از ایزدان یا مهین فرشتگان را امشاسپندان، نامیده اند یعنی پاکان بی مرگ یا جاودانی. این پاکان هفت تن دانسته شده اند، اینان مانند وزیران پادشاه آسمانی، آفرینش اهورامزدا را پاسبانی و نگهبانی می کنند. اینان همان اند که در فارسی بهمن - اردیبهشت - شهریور - سپندارمذ - خرداد - امرداد خوانیم و در سر آنان، خردپاک اهورا که سپند مینو گویند، جای داده شده است. در میان این گروه هفتگانه، سپندارمذ و خرداد و امرداد مادینه دانسته شده و این خود می رساند که در آیین نیاکان ما، در پایه فروتر از مردان دانسته نشده اند. گروه دوم از فرشتگان همان اند که در زبان فارسی بجای مانده، رشن - سروش - مهر - بهرام - ارشستاد و جز اینها نام دارند و پاسبانی هر یک از سی روز ماه به یکی از آنان سپرده شده است.

در ایران باستان، هفته در کار نبود و واژه شنبه ایرانی نیست. نام هر یک از روزهای ماه که بنام همان ماه میفتاده، نزد ایرانیان روز جشن بود. اینچنین: فروردین روز (نوزدهمین روز ماه) در فروردین ماه جشن فرودگان. اردیبهشت روز (سوم) در اردیبهشت ماه، جشن اردیبهشتگان. خرداد روز (ششم) در خرداد ماه جشن خردادگان. امرداد روز (هفتم) در امرداد ماه، جشن امردادگان. شهریور روز (چهارم) در شهریور ماه، جشن شهریورگان. مهر روز (شانزدهم) در مهرماه، جشن

Lightly burnished greyware pottery bowl: with nine plain pushed out lobes; flared rim; small flat base delineated by a shallow incised line surrounded by a pair of shallow concentric incised lines; restored from sherds with partial infilling.

Cultures/periods: Achaemenid

Production date: 5thC BC-4thC BC

Excavated by: David Stronach (1962)

Excavated/Findspot: Pasargadae

Materials: pottery

Technique: burnished (lightly)

Dimensions

Diameter: 5.30 centimetres

(inner concentric incised line on the underside)

Diameter: 6.50 centimetres

(outer concentric incised line on the underside)

Diameter: 11 centimetres

Height: 5.80 centimetres

Weight: 131 grammes

Volume: 290 millilitres (filled)

keeping place : British Museum•London

Museum number

135953

سفال خاکستری رنگ صیقلی با لبه برگشته که با تعداد ۹ لوب ساده بیرون زده از بدنه تزیین شده است. ظرف دارای پایه تخت کوچکی است که توسط یک خط برش کم عمق مشخص شده است و با یک جفت خط برش متحدالمرکز کم عمق دیگر احاطه گردیده است. بخش های کمبود ظرف سفالین مرمت گردیده است.

فرهنگ ها / دوره ها: هخامنشی

تاریخ تولید: ۵۰۰ - ۴۰۰ سال قبل از میلاد

حفاری شده توسط: دیوید استروناخ (۱۹۶۲)

محل کشف: پاسارگاد

مواد: سفال

تکنیک: براق (به آرامی)

ابعاد

قطر: ۵,۳۰ سانتی متر

(خط برش متحدالمرکز داخلی در زیر)

قطر: ۶,۵۰ سانتی متر

(خط برش متحدالمرکز خارجی در زیر)

قطر: ۱۱ سانتی متر

قد: ۵,۸۰ سانتی متر

وزن: ۱۳۱ گرم

حجم: ۲۹۰ میلی لیتر (پر)

محل نگهداری: موزه بریتانیا ، لندن

شماره موزه

۱۳۵۹۵۳

